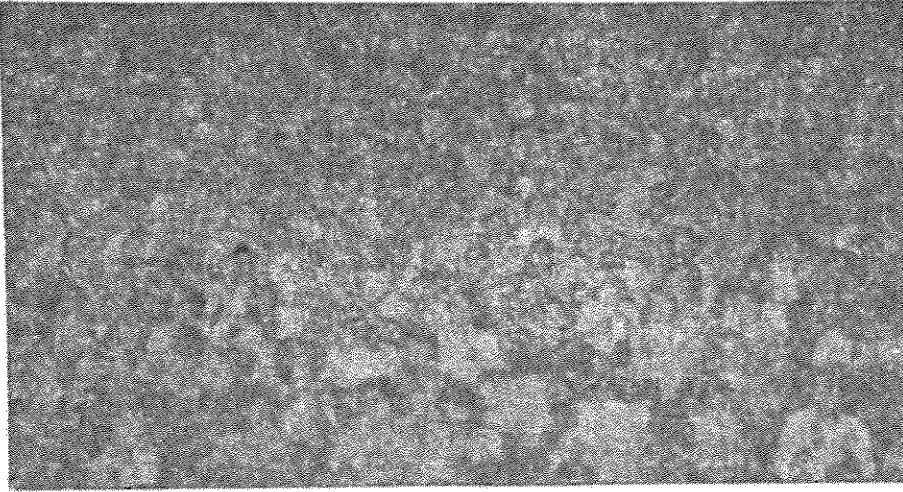


رخبر

تک شماره ۱۰ ریال ارگان مرکزی سازمان انقلابی

جشن پیروزی کنفرانس



برگزاری موفقیت آمیز چهارمین کنفرانس سازمان انقلابی که به حق نام کنفرانس پیروزی و وحدت را گرفته است. در میان اعضا و طرفداران سازمان شور و شوق زاید الوصفی را موجب گردیده است. در سراسر ایران هر کجاست از سازمان هست، نشستی بر پا می شود، آموزش های کنفرانس مورد بررسی قرار می گیرد و کادرها و اعضا و طرفداران سازمان اراده ای راسخ خود را به خاطر انجام بهتر وظائف جدید تعیین شده توسط کنفرانس اعلام می دارند.

در روز شنبه سی و یکم شهریور، مراسم با شکوهی با شرکت بیش از ۱۲۰۰ نفر به همین مناسبت در دانشگاه تهران (دانشکده فنی) برگزار گردید.

بقیه در صفحه ۶

نظری به سمینار اقتصادی دولت

هفته گذشته بمدت چندین روز سمیناری در نخست وزیری با شرکت بیش از ۱۲۰ نفر از کارشناسان اقتصادی، وزرا، صاحبان صنایع و افراد دیگر برگزار شد. علت برگزاری این گردهم آئی مشورت متقابل برای چاره جویی جهت رفع مشکلات متعدد اقتصادی است که هم اکنون در برابر کشور ما قرار دارد و بصورت سد راه ادامگی انقلاب درآمده است.

بحث های سمینار انعکاسی بود از مسائل و مشکلات اقتصادی، مجادلات جناح های مختلف وابسته به سرمایه داری بزرگ، متوسط و کوچک، و راه جویی برای شناخت حقایق و رفع مشکلات.

مذاکرات کنفرانس نشان داد که وابستگی اقتصاد ما به امپریالیسم و عقب ماندگی و ضعف تولید ملی، مشکلات اساسی اقتصادی ما را تشکیل می دهند.

گوشه ای از این وابستگی بصورت آمار در این سمینار مطرح شد. یک آمارگیری اخیر سازمان برنامه در مورد صنایع نشان می دهد که صنایع مورد بررسی عموماً ۲۸٪ کاهش تولید نشان می دهند و ۷۲٪ این صنایع از نظر مواد اولیه وابسته به محصولات وارداتی از کشورهای امپریالیستی اند و علت اساسی کاهش تولید هم نبودن این مواد اولیه بوده است و اگر بمدت ۸۸ روز مواد اولیه از خارج به صنایع وابسته ما نرسد آنها تعطیل میشوند. چنین وابستگی شدید به امپریالیسم در کشاورزی نیز چشم می خورد. طبق یک آمار اراغ شده در این سمینار، اکثر مواد غذایی

با توجه به این واقعیت است که روش می شود مهمترین مسئله اقتصادی کشور ما، بریدن این وابستگی، این غارت و رشد تولید داخلی و ایجاد یک اقتصاد مستقل و متکی بخود است. این امر از جانب سیاسی نیز برای مبین ما بس پر اهمیت است چه با وجود این وابستگی ما نقطه ای ضعیفی داریم که امپریالیستها میتوانند با سوء استفاده از آن ما را تحت فشار گذارند و تلاش نمایند تا سیاست های خود را بر ما تحمیل کنند و استقلال سیاسی ما را نیز خدشه دار سازند.

در این مورد دو خط مشی در سمینار چشم می خورد. کسانی که قاطعانه خواستار قطع این وابستگی بودند و کسانی که در این مورد موضع قاطع نداشتند و حتی بحیثی این وابستگی را توجیه میکردند. این یک گرایش راست روانه در سمینار بود.

مثلاً معاون وزارت اقتصاد و دارائی وابستگی را اینطور توجیه کرد که گویا: "همه در مورد وابستگی صحبت می کنیم بدون اینکه بدانیم وابستگی یک امر فزاینده توسعه اقتصادی است زیرا بهر حال تمام کشورهای از نظر بعضی از کالاها به یکدیگر وابسته اند و بیشترین کشورهای هم امکانات خود را در تولید کالاهای خاصی متمرکز کرده اند که برایمان صرفه بیشتری دارد و قسمتی از کالاهای مورد نیاز خود را نیز از خارج وارد می کنند. ما نیز باید توجه کنیم که تخصصمان در چه رشته ای است و تمام امکانات خود را در آن رشته متمرکز کنیم." بدون تردید این توجیه

مصاحبه با

نماینده «جمعیت اسلامی افغانستان»

الف - بر قراری یک نظام اسلامی که توده های وسیع مردم در کلیه تصمیم گیری های حیات سیاسی و اجتماعی کشور دخالت مستقیم داشته باشند و اکثریت مردم سرنوشت خود را خودشان تعیین کنند.

ب - واگذار کردن کلیه امکانات جامعه به دست مردم و بکار انداختن آنها به نفع مستضعفین بر مبنای عدالت اسلامی.

تحوالات اخیر افغانستان و تغییر سهره هایی که اخیراً در کادر رهبری هیئت حاکمه افغانستان توسط روسها و بوسیله کودتا انجام گرفت ما را بر آن داشت تا با یکی از احزاب مبارز مسلمان افغانستان مصاحبه ای داشته باشیم.

دوست مبارز عبدالقیوم نماینده جمعیت اسلامی افغانستان " در ایران، طی این مصاحبه به سئوالات ما در مورد اوضاع پاسخ گفتند. ما به خاطر محدود بودن ستون خبری خود قسمتی از این مصاحبه را فشرده نموده و در اینجا می آوریم.

مصاحبه

س - " جمعیت اسلامی افغانستان از چه سالی شروع به فعالیت کرده و اصول و برنامه های آن در مبارزه ضد امپریالیستی چیست؟

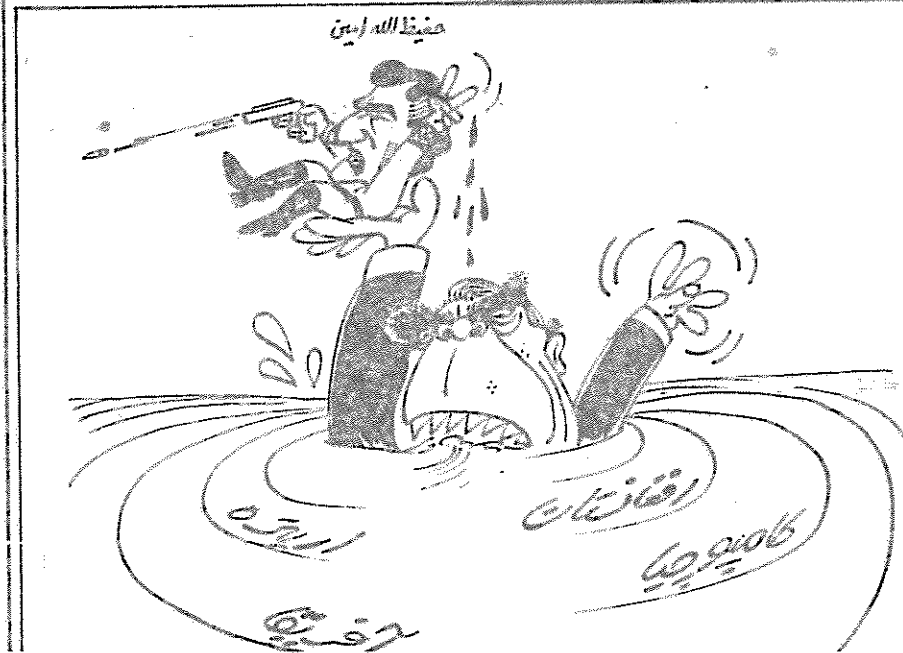
ج - " جمعیت اسلامی افغانستان از سال ۱۳۲۶ به طور متشکل به رهبری "بروفسور نیازی" که هم اکنون در زندان به سر می برد شروع به فعالیت نموده است. ابتدا برای مدت ۱۰ سال مبارزه خود را به شکل مخفی در میان توده های مردم به بین برده و از سال ۱۳۴۶ شکل علنی به خود گرفته است. از سالهای ۲۹ - ۱۳۴۸ که جنبش اوج گرفته بود و ارنجاع نیز برای سرکوبی آن به بیرحمانه ترین شیوه ها توسل می جست جمعیت اسلامی افغانستان، مبارزه

ج - از بین بردن کلیه روابط و قرار دادهایی که بر علیه استقلال جامعه و منافع مردم می باشد و از طرف امپریالیست ها بر مردم ما تحمیل شده است.

د - ایجاد یک حکومت بر مبنای عدل اسلامی.

س - رابطه " جمعیت " با نیرو های مبارز دیگر در افغانستان چگونه است؟

بقیه در صفحه ۳



چنین وابستگی شدید به امریالیسم در کشاورزی نیز چشم میخورد. طبق یک آمار ارائه شده در این سمینار، اکثر مواد غذایی مصرفی مردم کمبود تولید داخلی داشته و ما مجبور بوده‌ایم که این کمبود را از خارج وارد کنیم، مثلاً کشور ۳۰٪ کمبود گندم دارد که از خارج وارد میشود (از کل مصرف مردم ۷۰٪ تولید داخل است و ۳۰٪ گندم وارداتی)، این ارقام در مورد جو ۳۲٪، ذرت علوفه‌ای و مرغ داری ۷۹٪، ذرت خوشه‌ای ۹۶٪ و برنج ۲۸٪ است و در کل ما مجبوریم که ۳۰٪ مواد غذایی مان را از کشورهای امریالیستی وارد کنیم و بابت این کار در ۹ ماه سال گذشته ۲/۱۶ میلیارد دلار (یعنی ماهی ۱۶۸۰ میلیون تومان) به آنها پرداخته‌ایم که از این مقدار ماهی ۳۹۰ میلیون تومان به آمریکا پرداخته‌ایم.

باید توجه کنیم که تخصصان در چهره‌های است و تمام امکانات خود را در آن رشته متمرکز کنیم. بدین صورت ایشان یک تئوری ورشکسته‌ی اقتصادی سرمایه‌داری غرب را برای توجیه وابستگی زنده می‌کنند و بدتر از آن، پیشنهاد می‌کنند که تمام امکانات خود را گویا باید برای استخراج نفت یا قالی بافی یا تولید کشمش و از این قبیل "تخصص" ها متمرکز کنیم، در صورتیکه تمام کوشش ما باید بسوی بریدن از اقتصاد تک محصولی وابسته به نفت باشد.

با اینکه مدیر عامل بانک پارسی باصطلاح ۴ علت انقلاب را می‌شمارد که در میان آنها سعی از غارت و ستم امریالیستی و خواست استقلال ملی خلق ما وجود ندارد، یا یک کارشناس کشاورزی از "امکان ناپدید بقیه در صفحه ۶

☆ مدارس را به سنگرهای ☆ مستحکم انقلاب تبدیل کنیم

خود را آغاز می‌کنند و درود مردم را بخود دارند چه وظایفی را که انقلاب و میهن در مقابلشان گذارده بود با افتخار و پیروزی به سرانجام رسانیده‌اند.

اکنون، پس از گذشت بیش از شش ماه از پیروزی قیام بهمن ماه، چه وظایفی در مقابل جوانان است؟ در برابر آنان وظایف دو گانه‌ی ادامه‌ی انقلاب و ساختن ایرانی آباد و پیشرفته قرار دارد.

ادامه‌ی انقلاب در شرایطی است که رژیم و دولتی ملی حای رژیم و دولت ضد ملی و ضد خلقی گذشته را گرفته‌اند و از این رو ادامه‌ی انقلاب باید در وحدت با رژیم و دولت کنونی به جلو برده شود.

اما ادامه‌ی انقلاب در شرایطی است که هنوز میهن ما در معرض استثمار غارت، توطئه و تجاوز امریالیستی به ویژه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی قرار دارد و این دشمنان غدار، ادامه‌ی پیروزمند انقلاب ما را تهدید می‌کنند، از این روست که ادامه‌ی

انقلاب به معنای مبارزه ضد امریالیستی، به ویژه علیه این دو ابر قدرت و برای کسب استقلال کامل سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی، به خاطر پاسداری از دستاوردهای

بقیه در صفحه ۲

در روز اول مهر ماه مدارس و اکثر دانشگاهها با پیام امام خمینی گشایش یافتند و اولین سال تحصیلی پس از سرنگونی رژیم منور شاه، و پیروزی بزرگ خلق در قیام بهمن ماه آغاز گشت.

توده‌های میلیونی مردم ایران با نشاط و سرور، با امید به سعادت جوانان خود، به باز شدن مدارس مینگردند. به جوانان خود می‌بالند، چه آنها از گورهای آزمایش انقلاب سر بلند و پیروز بیرون آمده‌اند.

جوانان مبارز عیبهن در تمامی طول انقلاب در پیشاپیش صفوف انقلاب بودند و گردانهای پر قدرت ضربت آن را تشکیل می‌دادند.

در آن روزها که حکومت نظامی شاه تلاش می‌کرد با گشتار دسته جمعی، خفقان و سکون مرداب را بر میهن انقلابی مان حکمفرما کند، گردانهای رزمنده‌ی جوانان انقلابی، آتش مبارزه را فروزان نگاه داشتند و روزها را چون مشعل فروزانی که از خونشان

شعله می‌گرفت به روز بعد سپردند، تا در قیام بهمن ماه این مشعل سراسر میهن را یکبارچه آتش کرد و رژیم منحوس شاهنشاهی پهلوی را در خود سوزانید.

با داشتن چنین کارنامه‌ی درخشانی است که جوانان میهن سال نوین تحصیلی

حنش اوج گرفته بود و ارتجاع نیز برای سرکوبی آن به بیرحمانه ترین شیوه‌ها توسل می‌جست جمعیت اسلامی افغانستان مبارزه مسلحانه را بر علیه امریالیسم بخصوص بر علیه روسها شروع کرد. اصول و برنامه جمعیت اسلامی افغانستان از این قرار است:

گزارش سیاسی رهبری

انقلابات جهانی پرولتری میباشد. در عین حال همراه سیر تغییرات در جامعه ایران سازمان درک خود را از اوضاع بالا برده و با بررسی و تحلیل مشخص، تغییرات زیربنایی جامعه را معلوم کرده است. در زیر ما می‌گوئیم چند تغییر اساسی را که از دوران لنین تا بحال در سطح جهانی و کشوری رخ داده است ترسیم نمائیم. این امر بی شک کمک میکند تا بهتر بتوانیم بین دوستان و دشمنان تمایز بهم و استراتژی و تاکتیک انقلابی صحیحی را عرضه داریم.

اول - تغییرات در سطح جهانی: از میان تغییرات زیادی که بوقوع پیوسته، ما روی دو تغییر اساسی که دارای اهمیت بیشتری هستند انگشت می‌گذاریم: یکی در بقیه در صفحه ۷

رقفا، کنفرانس چهارم سازمان ما در شرایط بسیار مناسب اوضاع انقلابی در جهان و در ایران برگزار میشود.

۱- در صحنه‌ی جهان، در رابطه با صف آرائی‌های طبقاتی همیشه بر این عقیده بوده‌ایم که دوران معاصر، دوران امریالیسم و انقلابهای پرولتری است و آموزشهای لنین دربارهی امریالیسم اساسا درست میباشد.

در عین حال ما در چارچوب همین دوران دائماً همراه دیگر مارکسیست-لنینیستهای جهان مسیر تکاملی تضادها و اوضاع جهان را دنبال نموده‌ایم. در مورد صف آرائی‌های طبقاتی در کشور خودمان سازمان، از همان آغاز مرحله انقلاب ایران رادیکالیسم و ضد امریالیستی میدانست، انقلابی که طعنا متعلق به دوران جدید بوده و حزبی از

بیانیه مشترک دو سازمان

سازماری هولواسی مارکسیست-لنینیستها به خاطر ایجاد حزب کمونیست ایران با پیروزی انقلاب ضد امریالیستی و ضد استبدادی ایران به رهبری امام خمینی وارد مرحله‌ی جدیدی شده است. شرایط برای مبارزه‌ی ایدئولوژیک فعال و همکاری‌های عملی و نظری پیش از پیش فراهم شده و مسئله‌ی تشکیل حزب به مسئله‌ی ضرورت روز تبدیل گردیده است. بر اساس درک مشترک از این ضرورت بود که سازمان انقلابی و سازمان مارکسیستی-لنینیستی ایران پس از ماهها تبادل نظر و همکاری مشترک، برای تحقق بخشیدن امر وحدت میان دو سازمان وارد مذاکره شدند. در این مذاکرات که بر اساس حقوق مساوی و در محیطی سرشار از صمیمیت انجام گرفت، طرفین در کلیه‌ی زمینه‌ها به توافق رسیدند. مانی اساسی این وحدت عبارتند از:

- ۱- دفاع از مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون.
- ۲- دفاع از انقلاب ضد امریالیستی و ضد استبدادی به رهبری امام خمینی.
- ۳- دفاع از اتحاد بزرگ ملی.
- ۴- تشکیل حزب کمونیست به مثابه یک ضرورت فوری و مبارزه برای تحقق آن.
- ۵- مبارزه علیه رویزونیسم به مثابه انحراف عمده و اپورتونیسم چپ به مثابه انحراف غیر عمده ولی مهم.
- ۶- دفاع از تئوری سه جهان به مثابه استراتژی کنونی خلقهای جهان در رابطه با مبارزه علیه دو ابر قدرت و به خاطر استقلال، آزادی و رهائی از یوغ آنان.

بقیه در صفحه ۴

توطئه‌گری گروه دکتر شیوان

یکی از گروههای کرد وابسته به روسیه در کردستان ترکیه معروف به گروه دکتر شیوان به ایران نیرو گسیل می‌کند.

این خبر توسط نشریه "آیدین لیک" ترکیه فاش شده است. این نشریه می‌نویسد: اخیراً از طرف گروه دکتر شیوان از کردهای ترکیه به کمک کردهای تجزیه طلب ایران که بر علیه حکومت مرکزی می‌جنگند نیرو گسیل شده است.

گروه دکتر شیوان طرفداران خود را برای رفتن به ایران فرا خوانده و افزوده‌اند افرادی که حاضر به رفتن می‌باشند کلیه مخارج سفر و تدارک رد شدن از مرز را نیز متقبل می‌شوند.

گفته می‌شود که عده‌ای تا کنون وارد ایران شده و عده دیگری نیز در جهت تدارک لازم می‌باشند. پس از وارد شدن به ایران کلیه احتیاجات مالی، مسکن و اسلحه و مهمات آنها به عهده نیروهای حزب دمکرات و غیره است.

افرادی که این گروه به ایران فرستاده عمدتاً "جوان و از دیپلمه‌های بیکار ترکیه می‌باشند. علاوه بر کسانی که از شهرهای کردنشین شرق ترکیه هستند، در میان این نیروهای اعزام شده به ایران عده‌ای از شهرهای آنکارا و استانبول نیز هستند.

نشریه آیدین لیک اضافه می‌کند که گروه‌های دیگر کرد ترکیه نیز در جهت تدارک گسیل نیرو به کمک تجزیه طلبان ایران می‌باشند ولی تا کنون گروه دکتر شیوان موفق به فرستادن نیرو شده است.

هر روز که می‌گذرد شواهد بیشتری از دخالت نیروهای فرست طلب و وابسته در ایجاد اغتشاش در کردستان فاش می‌شود که در این میان جنب و جوش و فعالیت گروهها و دستجات وابسته به روسیه بیش از همه چشمگیر است.

بقیه در صفحه ۵

دو ابر قدرت:

بزرگترین دشمنان خلقهای جهان (۲)

اتان مانع اصلی انقلاب جهانی اند. اتان با دخالت ها، با لشکر کشیها، با تهدیدات و اعمال نفوذهای خود به حمایت از مرتجعین برخاسته و در تکامل عادی مبارزه طبقاتی کشورهای جهان اختلال نموده و سد راه انقلاب و حامی ضد انقلاب گشته اند. آیا اگر فقط این دو دخالت نمی کردند خلق فلسطین با حمایت برادران عرب خود به پیروزی نمی رسید؟ آیا اگر امپریالیسم آمریکا دخالت نمی کرد محمد رضا پهلوی ۲۵ سال دیگر بر سر کار می ماند؟ آیا اگر این دو دخالت نمی کردند خلق آنگولا پس از چهار صد سال مبارزه نمی توانست در صلح و صفا مسائل خود را حل کند و از جنگ داخلی آسوده شود؟ آیا اگر حمایت و دخالت سوسیال امپریالیسم شوروی نبود ویتنامی ها می توانستند یک جنگ خونین تجاوز کارانه را بر خلق کامبوج و جمهوری دموکراتیک آن تحمیل کنند؟ آیا مگر امپریالیسم آمریکا نبود که با کودتای نظامی، فاشیسم را به شیلی باز گرداند. آیا مگر سوسیال امپریالیسم شوروی نیست که هم اکنون تلاش دارد با سرکوب نظامی خلق افغانستان حکومت وابسته تره کی را بر سر کار نگهدارد؟ و مگر شوروی نیست که جلاد مبارزه ملی مردم اریتره است؟ هیچ یک از کشورهای امپریالیست دیگر جهان قادر نیستند بدینگونه عمل کنند. خلقهای

جهان از دخالت دو ابر قدرت در امور داخلی خود نیز در امان نمی باشند. از همه اینها می توان به درستی نتیجه گرفت که دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی بزرگترین دشمن انقلاب خلقها، آزادی ملل و استقلال کشورهای جهانند. لیکن این دو ابر قدرت در یک رقابت سهمگین با یکدیگرند، گر چه گاه با هم تباخی می کنند ولی این تنها، یافتن فرصت جهت

تدارک رقابت جدیدی است. هدف رقابت این دو خارج کردن دیگری از صحنه و آفاتی بر جهان است. این رقابت چیزی جز سیاست امپریالیستی نیست که فعلا به شکل مسالمت آمیز است ولی به طور قطع و یقین سر انجامش با جنگ معلوم می شود. مرکز ثقل رقابت آنها اروپاست. زیرا هر کدام که بتواند اروپا را به طور کامل بدست آورد تقریباً قدرتش دو برابر می شود. زیرا اروپا با جمعیت متمرکز، صنعت و تکنیک پیشرفته، تجارت عظیم، معادن بزرگی چون آهن و زغال سنگ و بازار وسیع خود در هر سوئی که قرار گیرد توازن را کاملاً بهم می زند.

وضع استراتژیک دو ابر قدرت در رقابت خود، دو ابر قدرت تنها می توانند از وضع عینی خود حرکت کنند. آمریکا در یک موقعیت دفاع استراتژیک قرار دارد. این به معنای آن است که علیرغم در دست داشتن ابتکار در بعضی موارد و یا حتی تهاجمات منطقه ای و موقتی من حیث المجموع آمریکا در موقعیت حفظ منافع خود می باشد. بر عکس سوسیال امپریالیسم شوروی در یک موقعیت تهاجم استراتژیک قرار دارد. این نیز به معنی آن نمی باشد که شوروی در هیچ کجا مجبور به عقب نشینی هر چند بطور موقتی و از دست دادن بعضی مواضع و منافع استراتژیک نمی باشد.

این وضعیت به چه دلایلی است؟

۱ - قانون رشد ناموزون سرمایه داری که در دوران امپریالیسم شدت هم می یابد و قانون مطلق سرمایه داری است. آمریکا گرچه از لحاظ اقتصادی کماکان در ردیف اول قرار دارد ولی در مقایسه با دو دهه بعد از جنگ دوم موقعیت کاملاً انحصاری خود را از دست داده است.

مثلا به دو جدول زیر توجه کنید:

سهم آمریکا از کل کشورهای سرمایه داری	۱۹۴۸	(در صد)
شهرج	۱۹۴۸	۱۹۶۸
تولید فولاد	۹۱/۴	۲۳/۳
تولید اتومبیل	۸۱/۶	۴۰/۰
ذخیره طلا	۷۳/۴	۲۸/۰

(آمار از کتاب پیر زاله - آمار جهان سوم)

مخبر

در سال ۱۹۷۸ طبق آمار منتشره، شوروی دارای ۲۴۳ کشتی و آمریکا ۱۷۲ کشتی جنگی و ناو هواپیمابر و غیره بودند. (آمار جهانی) علاوه بر اینها تعداد افسران ذخیره شوروی به ۲۵ میلیون نفر میرسد. آمار فوق همچنین نشان می دهند که بوده چه نظامی آمریکا در حدود ۶٪ و شوروی در حدود ۱۲٪ تولید ناخالص ملی آنها را تشکیل می دهد. و همچنین طبق آمار ناقص، بودجه نظامی شوروی در سال ۱۹۷۴ حدود ۲۵٪ بودجه دولتی بوده است.

۲ - مناطق نفوذ و منابع مواد خام و بازار امپریالیسم آمریکا گر چه کماکان دارای قدرت اقتصادی عظیم و مناطق نفوذ وسیعی است ولی در مقایسه با دو دهه بعد از جنگ دوم در این زمینه نیز به طور نسبی رو به ضعف نهاده. در سال ۱۹۴۹ با پیروزی انقلاب چین امپریالیسم آمریکا یک منطقه وسیع با منابع خام عظیم و بازاری چشمگیر از دست داد. در سال ۱۹۵۹ با پیروزی انقلاب کوبا سلطه بلا منازعی در آمریکای لاتین دچار ضربه شد. شکست نظامی آمریکا در آسیای جنوب شرقی علاوه بر بی آمدهای اقتصادی و سیاسی آن، محدودتر شدن مناطق نفوذ را برای آمریکا به همراه داشت. در خاور میانه با پیروزی انقلاب ایران بیداری ملل و خلقهای این منطقه و همچنین در آفریقا، با مبارزات گوناگون مردم این قاره به نفوذ آمریکا ضربه سختی وارد آمده است.

در مقایسه با ۱۵ سال پیش شوروی مناطق نفوذ جدیدی به دست آورده است. در حیطه خلوت سابق آمریکا یعنی آمریکای لاتین، شوروی از طریق کوبا و غیره صاحب نفوذ گشته، در آفریقا با دخالت های مستقیم نظامی و سیاسی مناطق نفوذ گسب کرده است.

در خاور میانه عربی، در ترکیه، در افغانستان، در هندوستان و اکنون در بخش بزرگی از آسیای جنوب شرقی، شوروی در تلاش افزودن به نفوذ خود می باشد. شوروی با سیاست سوء استفاده از تنفر و انزجار خلقها و ملل جهان نسبت به امپریالیسم آمریکا، فعالیتها تلاش دارد در لباس دوست در این نهضتها داخل گشته و جانشین آمریکا گردد.

نماینده سوسیالیسم انقلابی متحد هستیم. ما را به اطاق به اصطلاح انتظار بردند. در آنجایی من و یک پاسدار که شدیداً متعصب بود بحث شروع شد. با وجود اینکه بحث به نتیجه نرسید ولی حداقل چند نفری که در اطاق بودند (پاسدار و زندانی) با نقطه نظرات سازمان در مورد وحدت آشنا شدند.

مدارس را...

انقلاب در مقابل یورش های ضد انقلابی امپریالیسم است. ادامه ای انقلاب در شرایطی انجام می گیرد که هنوز اکثریت عظیم مردم ما، یعنی کارگران و دهقانان تحت استثمار و ستم قرار دارند. در بدترین شرایط مادی در عقب ماندگی و فقر و نا بسامانی های دیگر زندگی می کنند، لذا ادامه ای انقلاب بمعنای خدمت به رفاه و سعادت زحمتکشان، خدمت به امر کبیر رهائی اتان است.

از این رو، دو پرچم بزرگ مهین پرستی، مبارزه ضد امپریالیستی برای استقلال کامل ملی و خدمت به خلق بویژه زحمتکشان، پرچمهای کبیر ادامه ای انقلاب اند. ساختمان ایرانی آباد و پیشرفته نیز بمعنای ساختن ایرانی مستقل و متکی بخود، ایرانی است که اکثریت زحمتکش خلق در رفاه و سعادت زندگی کند و از این رو هدف های سازندگی ملی نیز به همان هدفهای ادامه ای انقلاب است.

اما جوانان وظایف مشخص تری هم در پیش خود دارند:

- * آنها باید سنت عالی شرکت در مبارزات سیاسی را فقط تقویت کنند و با هر گونه بی تفاوتی و سیاست زدائی مبارزه نمایند. آینده ی جوانان در گرو مبارزه ی سیاسی در اجتماع است، لذا آنها حق دارند و باید در تعیین سرنوشت خویش شرکت فعال داشته باشند.
- * جوانان باید در سازمانهای مختلف، از سازمانهای ویژه خود گرفته تا سازمانهای سیاسی، فرهنگی، صنفی و ... متشکل شوند. مبارزه ی فردی، خدمت فردی و سعادت فردی در یک اجتماع، آن هم اجتماعی انقلابی، امکان ناپذیر است، به ویژه برای کسانی که قلب هایشان برای خدمت به مهین و سعادت زحمتکشان می تپد، چه برای انجام این دو امر کبیر باید متشکل شد، دانش و تعیین سرنوشت و مفید بودن در تشکل است.
- * جوانان باید بر آموزش سیاسی، فرهنگی، علمی و اجتماعی خویش یا فشاری کنند. دانش از جهان و جامعه به آنها کمک میکند که راه صحیح را بیابند و بتوانند بهتر به مینه نشان و انقلابشان خدمت کنند. به ویژه آنکه امر بزرگ نو سازی ملی کشور غارت شده مان در برابر همبستگی ما قرار دارد.
- * جوانان نباید هیچگاه خود را از مردمان، به ویژه زحمتکشان مینه مان، جدا

با تعدادی از زندانیان در آتسفری سالم به بحث بنشینیم، عده ای از آنها بعد از چند روز بحث و جمع بندی فعالیت های خود را در مدت پنج ماه بعد از انقلاب، از سیاست ها و افکار نادرست خود انتقاد کردند. در زمینه برخورد نادرست به نتایج انقلاب، برخورد نادرست به رفتارندم جمهوری اسلامی و رای

کنند و نسبت به دردها و حرفهای آنان بیگانه باشند. آنها باید سمت استوار و راستین خدمت به خلق، به سعادت و رفاه زحمتکشان را داشته باشند. کارگران و دهقانان تولید کنندگان اصلی ثروت مهین، ستون استوار کشوراند و سرنوشت جوانان انقلابی در گرو سرنوشت بهروزی و رفاهای کامل زحمتکشان است.

میلیونها جوانی که در مدارس و دانشگاهها، به ویژه دبیرستانها، متمرکز و متشکل اند، باید محل کار خود را به نمونه های پیشرفته ی جوامع کوچک انقلابی تبدیل کنند. مدارس ما با مشکلات فراوانی که اکثر ارضیه رژیم منفور شاهاند - روبرو هستند، و از سوی دیگر انقلاب ما نیز با مشکلات متعددی، به ویژه با انحرافات انحصار طلبی و اختلال چپ نماها دست به گریبان است که طبیعتاً این مشکلات و انحرافات خود را در مدارس نیز منعکس می کنند.

جوانان در حل این مشکلات نیز باید نمونه و پیشرو باشند و مدارس خود را به صحنه های پیاده کردن موفقیت آمیز امر اتحاد بزرگ ملی، اتحاد اسلام مبارز، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی بدل کنند و برای وحدت بزرگ ضد امپریالیستی خلق کوشش نمایند.

به خاطر این امر بزرگ آنها باید انحصار طلبی را در زمینه های مختلف - گذاشتن معیارهای کاذب مذهبی - غیر مذهبی برای تشخیص دوست و دشمن، تصفیه کادر آموزشی، تعیین محتوی کتب و ... را مورد انتقاد و طرد قرار دهند و از سوی دیگر با چپ نمائی، ضدیت با انقلاب و دولت ملی، حرکات ضد اسلام مبارز، بهانه جوئی برای اختلال و ... هم مبارزه نمایند، حاملین این دو انحرافات اساسی را با حرکت از موضع وحدت و انجام مبارزه مورد اصلاح قرار دهند و به وحدت نوینی دست یابند.

بدین صورت، در صورت یا فشاری بر مبارزه ضد امپریالیستی و مهین پرستی، خدمت به خلق به ویژه زحمتکشان، آموزش، تشکل، شرکت در مبارزه سیاسی و ایجاد وحدت بزرگ در مدارس است که جوانان انقلابی خواهند توانست مدارس را به سنگرهای مستحکم انقلاب تبدیل کنند و در این مرحله نوین از انقلاب نیز وظیفه خود را به مانند دوره ی گذشته و با پیروزی و افتخار به سر انجام رسانند.

در همین روزها جریان سفر اتفاق افتاد. جریان امر بدین گونه بود که: تعدادی از افراد حزب دمکرات، زمانی که سپاه پاسداران به طرف سفر می رفتند، با دسته های گل به استقبال آنها می روند. (البته ظاهراً به عنوان عده ای از مردم سفر) آنها را به شهر وارد می کنند، جلوی پای آنها گوسفند قات

(میلیون تن)

شرح	شوروی	امریکا	سال
آهن ریخته و آلیاژ	۱۰۰	۹۰	۱۹۷۵
ذغال کوک	۸۲	۶۰	۱۹۷۴
سیمان	۱۱۵	۷۳	۱۹۷۴

(آمار سالانه سازمان ملل)

● رضا پرتوی ...

میکردند باعث تفرقه و جدایی و بدبینی بین مردم و ارتش و سپاه پاسداران میشد. سازمان انقلابی بخش کردستان بر مبنای اصل اساسی پاسداری از استقلال و حفظ تمامیت ارضی ایران و مبارزه علیه توطئه‌های دوا بر قدرت و عواملشان جهت تجزیه ی کردستان و بر مبنای اطلاعیه سازمان مبنی بر پشتیبانی از دولت جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران، سرکوب حزب دمکرات و دارودسته پالیزان، بدون وقفه همچنان بقعالیت خود ادامه میداد. دفتر سازمان بازنمایشگاه عکس داپر کرده و شعار نه آمریکا، نه روسیه زنده یاد ایرانی مستقل و متکی بخود بر سر در ساختمان دفتر سازمان در احتراز بود.

روز دوم ورود ارتش و سپاه پاسداران، ساعت ۴ بعداز ظهر ۵۸/۵/۲۹ هنگامیکه من (مسئول دفتر سازمان)، یکی از دوستان و یک دیدار کننده از نمایشگاه در صحن حیاط دفتر مشغول صحبت بودیم، پاسداران به ساختمان مذکور ریختند. اخطار دادند که دستهایمان را بالا کنیم و رو به طرف دیوار بایستیم. ما نیز چنین کردیم. آنها به اتاقهای ساختمان حمله بردند و بسیاری از نشریات را بیرون ریختند و آتش زدند، نمایشگاه را بطور کامل از بین بردند. یکی از کردها بنا حمله کرد. او در حال مضروب نمودن ما لاینقطع بما فحاشی میکرد. میگفت مادر... خواهر... کمونیست، مادر... دمکرات، تا تو باشی در آینده چریک نشوی. بعضی از پاسداران باو گوش زد میکردند که حالا دست بردار وقتی آنها را به زندان بردیم

حسابشان را میرسیم. ولی او کلت خود را کشیده و میگفت. من همین حالا حسابشان را میرسم. در هر حال بما دستبند زدند و روانه ماشینی که در خیابان بود کردند. مردم خیابان و محله با دیدن پاسداران کم کم جمع شده بودند. وقتی ما را داخل ماشین کردند تعداد مردم به ۳۵۰ تا ۴۰۰ نفر رسیده بود. پاسداران شروع به کتک زدن ما کردند. عده‌یی از زنان و دختران گریه میکردند و اعتراض، اعتراض مردم کم کم اوج می‌گرفت و به شعار تبدیل میشد. بطوریکه شعارهای نادرستی هم که ناشی از برخورد پاسداران بما و مردم بود داده شد، از جمله شعارهایی بر علیه رهبری انقلاب. از دهام جمعیت در اطراف ماشین و پاسداران و شدت عصیانیت آنها بقدری بود که پاسداران برای عبور از محل مجبور به تیر اندازی هوایی شدند. در طول راه نیز یکی از پاسداران مرتباً "به ما فحش میداد. من در طول راه سعی می‌نمودم تا او را قانع کنم که پاسداران جمهوری اسلامی ایران اولاً باید بین نیروها، دوست و دشمن تمایز بگذارند آنها باید نمونه و سبیل انقلاب و فرهنگ انقلابی باشند. کم کم صحبت‌های من باعث شد که در نیمه راه فحاشی‌ها قطع شد.

ما رابه فرودگاه بردند و چند ساعتی در راهروی یکی از ساختمانهای فرودگاه معطل کردند. در این مدت با پاسدار نگهبان سر بحث را باز کردم. بحث بر روی وحدت خلق و وحدت سه جریان سیاسی بزرگ بود، مقداری تبادل نظر کردیم و آخرش به این نتیجه رسیدیم که این به عنوان نماینده سلام مبارز در همان محیط کوچک و ما به عنوان

نتیجه رسید ولی حداقل چند نفری که در اطاق بودند (پاسدار و زندانی) با نقطه نظرات سازمان در مورد وحدت آشنا شدند که تاثیر مثبت آنرا در برخورد های بعدیشان مشاهده نمودم.

نیمه‌های شب ما را به اطاقی که نامش زندان بود بردند. پس از دور روز معطلی و بر اثر اعتراض ما (سه نفر) که چرا علت دستگیری ما را نمی‌گویند و چرا باز جویی ما شروع نمیشود؟ زندی سرپرست پاسداران سندج به زندان آمد. ما اعتراض خود را با او گفتیم. او یک جمله گفت و رفت شما نزد ما هستید تا تیرباران شوید. بلافاصله شایع کردند که آیت الله... فردا صبح به فرودگاه می‌آید. به این ترتیب آنها علیه مایک جنگ روانی و یا باصطلاح شکنجه روانی راه می‌انداختند. مثلاً " بعضی از دستگیر شدگان را به زندان ما می‌آوردند و می‌گفتند اینجا زندان اعدامی‌هاست و غیره... این جریان نتیجه عکس خود را بوجود آورد.

من و یکی از طرفداران با احتمال اعدام شدن، تصمیم گرفتیم در پای چوبه اعدام با مشت‌های گره کرده شعارهای سازمان را بدهیم. در هر حالت شب را با آرامش کامل استراحت نمودیم و مردایش، مجدداً به عدم بازجویی اعتراض نمودیم.

شب هنگام باز جویی ما شروع شد. دو نفر را آزاد کردند و مرا نگاهداشتند. جریان باز جویی از دو قسمت تشکیل میشد. اول اطلاعات از افراد، روابط تشکیلاتی و شرح فعالیت های سیاسی و دوم، ایدئولوژی و سیاست مورد قبول. در باز جویی من خیلی روشن ایدئولوژی و سیاست های سازمان را شرح دادم. این مسئله تا به زیر زیادی در آزادی من داشت.

بعد از چهار روز مرا به زندان فرودگاه بردند در زندان تعدادی زندانیان دور هم نشسته بودند که من و چند نفر دیگر به آنها پیوستیم. اولین سئوالات معمولاً مربوط بود به اسم، علت دستگیری و تاریخ دستگیری، و چگونگی باز جویی. یکی از زندانیان سؤال کرد کجا دستگیر شدی. گفتم در دفتر سازمان انقلابی. با خنده‌ای تمسخر آمیز گفت، شما که رنجبر را پخش می‌کنید، چرا مورد تعقیب هستید؟ و مجدداً یک پوزخند زد. من برایش توضیح دادم که در چنین محیطی ما می‌بایست با برخوردی صادقانه و صمیمی اوضاع را برای یک بحث خوب و خلاق آماده کنیم، یا متلک و نیش زدن هیچ مسأله‌ای حل نخواهد شد. این بحث کوتاه محیطی را فراهم نمود که من در روزهای بعد توانستم

و افکار نادرست خود انتقاد کردند. در زمینه برخورد نادرست به نتایج انقلاب، برخورد نادرست به رفرا ندیم جمهوری اسلامی و رای ندادن به آن، برخورد نادرست به دولت موقت جمهوری اسلامی، از خود انتقاد کردند. آنها وحدت سه نیروی سیاسی اسلام مبارز، ملی گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی را قبول کردند. یکی از عواملی که کمک به نزدیکی آنها به سازمان ما و ارزیابی درست از خود می کرد برخورد مثبت و سازنده پاسداران انقلاب بود. آنها آنقدر به سازمان ما نزدیک شدند که چگونگی همکاری آینده را تحت سیاست و خط مشی سازمان، طرح نمودند. این رفقا متأسفانه در روز بعد اعدام شدند.

در طول مدت زندانی پاسداران بسلول ما می‌آمدند و با ما بحث می‌کردند. بحثهای آنها اساساً، حمله به کمونیسم و از موضع نصیحت زندانیان بود. اکثریت پاسداران، افرادی از جان گذشته و فداکار بودند که با تمام وجود به خاطر حفظ استقلال ایران، جلوگیری از تجزیه کردستان و سرکوب عوامل دوا بر قدرت شبانه روز فعالیت می‌نمودند. اکثر پاسداران در سنین ۱۹ تا ۲۵ ساله هستند، حجم کار و وظائف باعث گردیده بود که مدت استراحت آنها در اغلب مواقع کمتر از چهار ساعت باشد و آنها کوچکترین ناراحتی و اعتراضی در این مورد نداشتند.

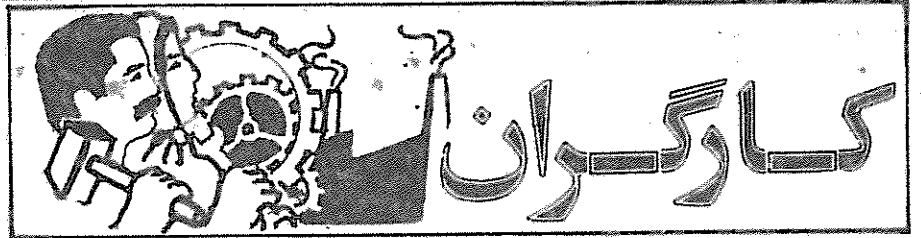
بحث‌های آنها صادقانه و روشن بود. بهمین جهت اوضاع مساعدی در بحث و تبادل نظر با آنها بوجود آمد. طولی نکشید که با پاسداران دوست شدیم و این دوستی بعلت تبادل نظر سیاسی بین ما هر روز محکم تر می‌شد. مهدودی از پاسداران شدیداً ضد کمونیست بودند و تلاش می‌کردند در بین پاسداران نسبت به ما نفرت ایجاد کنند. این جریان ضد کمونیستی با مقاومت های نسبی از جانب پاسداران روبرو می‌گردید. یک روز که به دستشویی می‌رفتم، یکی از پاسداران کسرده به دیگران گفت این کمونیست است، اگر صد تا از این کمونیست‌ها را به من بدهند همه را با این تیرباران می‌کنم، این مسئله باعث بگو و مگو و بحث شدیدی بین پاسداران شد. آنها بین من و حزب توده و حزب دمکرات تمایز می‌گذاشتند. این بحث با آمدن سرپرست پاسداران خاتمه پیدا کرد. بسیاری از پاسداران آدرس های خود را به من دادند تا در آینده آنها را ملاقات کنم و بعضی می‌گفتند در آینده بحث را ادامه می‌دهیم.

استقبال آنها می‌روند. (البته ظاهراً " به عنوان عده‌ای از مردم سفز) آنها را به شهر وارد می‌کنند، جلوی پای آنها گوسفند قربانی می‌کنند و بعد به کناری رفته و همه پاسداران را (۴۰ نفر) از پنجره‌ها به رگبار گلوله می‌بندند. من خود وقتی به نزد باز جو می‌رفتم، جنازه‌های تیر باران شده بی سر و بی دست و بعضی بی پای آنها را دیدم. ۴۰ نفر از جوانان استقلال طلب، میهن پرست، آزادیخواهان میهن عزیزمان را حزب دمکرات قتل عام کرده و دست و پا و سر آنها را با جنایت کارانه ترین وجهی بریده بودند. این جریان و دیدن جوانان غرق به خون کفن پوش، بر قلب انسان سنگینی می‌کرد و بی اختیار اشک از چشمان جاری می‌ساخت. عکس العمل پاسداران به ما زندانیان رسیدگی بیشتر، محبت بیشتر دوستی و تفاهم بیشتر بود. این برخورد پاسداران ضربه مهلکی بود بر اندیشه‌هایی که بین ارتش و سپاه پاسداران در جمهوری اسلامی و رژیم فاشیستی شاه تفاوت قائل نمی‌شدند. این اندیشه در زندان نیز وجود داشت، که در مدتی کوتاه توسط خود زندانیان انتقاد گردید و طرد شد.

از جانب دیگر سیاست نادرستی بود که از جانب رهبری پاسداران و عناصر سرسخت ضد کمونیست و شوونیستی ضد کرد اعمال می‌گردید. آنها به جای ایجاد محیطی آرام که هر زندانی احساس کند در جمهوری اسلامی حقوق افراد پایمال نمی‌گردد و حقیقت روشن خواهد شد، روش ترساندن داعمی زندانیان از حاکم شرع، دادگاه و اعدام را در پیش گرفته بودند. هلی کوپتر و هواپیمایی که فرود می‌آمد، می‌گفتند آیت الله... آمد. امروز همه مفسد فی الارض می‌شوند، و غیره. آنها با این ترتیب سعی می‌کردند زندانیان را شکنجه روانی نمایند. این عمل یک تگرانی داعمی را در بین زندانیان ایجاد می‌نمود. و خود عاملی می‌گردید تا اعتماد زندانیان نسبت به جمهوری اسلامی کم گردد.

در هر حال من پس از هشت روز نیم باز داشت با قید ضمانت آزاد شدم. هنگامی که از رئیس، پاسداران سندج خداحافظی می‌کردم، سؤال نمودم: علت باز داشت من چه بود؟ جواب او چنین بود " تو آدم پر شور و جنب و جوشی هستی" و من مورد اتهام خود را فهمیدم.





خواسته‌های بحق

کارگران «بران اندروث»

دو نفر از کارگران شرکت بران اندروث بندر عباس به نمایندگی از طرف ۶۰۰ نفر از کارگران شرکت به دفتر ترجمان مراجعه نموده و خواستار منعکس شدن خواسته‌هایشان شدند. آنها وضع خود را چنین شرح دادند:

شرکت بران اندروث یک شرکت آمریکایی است که کارهای تاسیساتی نیروی دریایی از قبیل کارهای ساختمانی، اسکله سازی، برق و غیره را انجام می‌دهد. حدود ۶۰۰۰ کارگر در این شرکت کار می‌کردند. در زمان انقلاب، کار این شرکت متوقف شد و کارگران این شرکت برای گرفتن حقوقشان به این شرکت مراجعه نمودند، لیکن این شرکت از دادن حقوق امتناع کرده و گفت که این موضوع به ما مربوط نیست. کارگران نزد استاندار هرمزگان در زمان رژیم قبلی رفتند و شکایت نامه‌ای نوشتند، لیکن بعد از انقلاب استاندار را گرفتند و استاندار جدیدی به نام آقای دکتر گرجی آمد. کارگران نزد او رفته و خواستار حقوق بیکاری شدند. آقای گرجی در جواب آنها گفت که صبر کنید حتما اقدام خواهیم کرد. به گفته کارگران آقای گرجی آدم بسیار خوبی بود و به خواسته‌های کارگران می‌رسیده و به آنها قول کار داده بوده ولی بعد از مدتی آقای گرجی به تهران رفت و دیگر برنگشت.

بعد از باز نگشتن آقای گرجی حدود ۴۰۰۰ کارگر شرکت‌های جی آی ایتالیا کنترات - حدیش - شرکت ام تی اس - شرکت کشتی سازی آریا و کارگران همین شرکت (بران اندروث) اعتراض کرده، دست به راهپیمایی و تظاهرات زده و خواستار بازگشت آقای گرجی استاندار می‌شوند. کارگران بعد از آن نزد استاندار جدید که آقای بازرگان نام دارد رفته و شکایت خود را مطرح می‌نمایند ولیکن آقای بازرگان می‌گوید که اصلاً چنین چیزی مطرح نیست و چنین قانونی که باید حقوق بیکاری داده شود وجود ندارد و هیچ شرکتی هم چنین حقوقی نمی‌دهد، باید مدرک بیاورید. کارگران برای بدست آوردن مدرک به

نامه کارگران بندر جنوب

اخیراً نامه‌ی اعتراضیه‌ای که کارکنان اداره بندر خرمشهر و آبادان به نخست‌وزیری، دفتر امام، دادسرای انقلاب خرمشهر و آبادان و مطبوعات نوشته‌اند بدست ما رسیده است که در زیر می‌خوانید.

بسم الله الرحمن الرحيم

ما کارکنان امور دریایی اداره بندر خرمشهر و آبادان نسبت به اخراج ۱۳ نفر از کارکنان واحدهای دریایی که هیچگونه

سابقه بدی نداشته و از افراد دلسوز و پرکاری بوده‌اند اعتراض داریم و می‌خواهیم که هر چه زودتر این برادران بکار خود بازگردند. متأسفانه از بدو انقلاب، عده‌ای ضدانقلاب در راس سازمان بنادر در تهران قرار گرفته‌اند و با سرنواخت کارکنان بنادر بازی کرده، و تا کنون هیچ قدمی در رفع نارسایی‌ها بر نداشته، آنها با این اعمال ضد انسانی می‌خواهند ما را از انقلاب اسلامی روگردان کنند.

حال که در راس سازمان بنادر در

مصاحبه با نماینده...

ج - با کلیه نیرو هائی که وابسته نیستند در چهار چوب حفظ استقلال و منافع مردم رابطه صمیمانه داریم.

س - منابع مهمی که از طرف روسها چپاول می‌شوند چیست؟ و تعداد مستشاران روسی چقدر است؟

ج - روسها مدت ۱۱ سال است که نفت و گاز کشور ما را به شکل مواد خام و به طور تقریباً "مجانی" به غارت می‌برند. یعنی هر یک متر مکعب گاز طبیعی افغانستان را به قیمت ۷۵ افغانی معادل با ۲ ریال خریداری می‌کنند و در عوض نفت و گاز تصفیه شده را به قیمت بازار بین المللی دوباره به افغانستان می‌فروشند.

منابع طبیعی دیگر افغانستان از قبیل زرد، طلا و نیل را استخراج می‌کنند و کلیه تولیدات کشاورزی، به ویژه پنبه را که نقش مهمی در اقتصاد جامعه دارد به نازلترین قیمت به تاراج می‌برند و بخشی از احتیاجات تولیدات کشاورزی خود را از کشور ما تأمین می‌کنند. از قبیل حبوبات و خشکیار و غیره...

تعداد مستشاران نظامی روسی در افغانستان بیش از ۱۰ هزار نفر است که حدود ۳ هزار نفر آنها در نیروی هوایی مشغولند. بقیه نیز در بخشهای دیگر ارتش حاکمیت دارند.

اما تعداد افراد روسی که هم اکنون در افغانستان هستند بیش از ۱۵۰ هزار نفر می‌باشند. زیرا روسها به جز نفوذ در ارتش در کلیه ادارات دولتی به تعداد زیادی کار می‌کنند بطوریکه از ۱۹ وزارتخانه کشور برای هر وزیر، هر مدیر کل و هر مدیر عامل مؤسسه‌ای به طور متوسط ۳ - ۲ نفر مشاور روسی مشغول به کار است و در کلیه برنامه ریزی های جامعه دخالت دارند. فقط در شهر "مزار شریف" حدود ۲۰ هزار نفر کارگر و تکنسین روسی برای جستجوی گاز و نفت مشغولند. در آموزش و پرورش و در

که مبارزه خلق افغانستان شدت گرفت و بر بیکره آنها ضربه وارد کرد رقابت این دو حزب بر سر بدست گرفتن قدرت سیاسی نیز شدت بیشتری پیدا کرد و زمینه‌ای ایجاد شد که حزب "خلق" رهبران حزب "پرچم" را از صحنه سیاسی بیرون بکنند. این خود اختلاف بین تره‌گی با حفیظ الله امین را زیادتر کرد. تره‌گی می‌خواست این طور جلوه بدهد که خودش بیشتر می‌تواند منافع روسیه را تأمین نماید و حتی قادر خواهد شد بشکل ژاندارم روسیه در منطقه در بیاید و برای نشان دادن این خوش خدمتی دست به اعمال وحشیانه و کشتار عمومی مردم می‌زد و شهرها و مناطق را به آتش و خون می‌کشید. اما مبارزات ملی مردم طوری قاطع و وسیع شد که اکثر مناطق مهم را مردم بدست خود گرفتند و حملات مردم بر بیکره تره‌گی آن چنان محکم بود که حفیظ الله امین نتواند از موقعیت نظامی خود استفاده کرده و به دستور ارباب روسی خود بر علیه تره‌گی دست به کودتا بزند. روسها اول نمی‌خواستند تره‌گی را مقصر اصلی نشان بدهند ولی با ضرباتی که مبارزه مردم ما بر بیکره روسها وارد کرد، آنها چاره دیگری به جز عوض کردن مهره خود نداشتند. این بود که آنها برای تأمین منافع خود امین را بر سر کار آورده‌اند حالا هم سعی می‌کنند تمام گناهان را بر دوش تره‌گی بگذارند. البته این نشان می‌دهد که روسها در مقابل مبارزه مردم به دستاچگی دچار شده‌اند و عملاً "مهره دیگری را بر سر قدرت نشانده‌اند که نه تنها مشکلات سیاسی و اجتماعی را کمتر نمی‌کند بلکه این مشکلات را افزایش می‌بخشد. زیرا حفیظ الله امین از تره‌گی مزدورتر است و فاشیستی تر عمل خواهد کرد و از طرف دیگر قتل و غارت و آدم کشی او در میان مردم شناخته شده است.

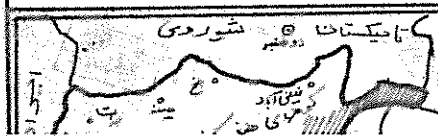
س - حفیظ الله امین کیست و با توجه به اینکه خود یک فتوادال زاده پشتونی است آیا می‌تواند نفوذی در مقابل یشتونستان،

تهران قرار دارند می‌خواهند بگویند هدیه انقلاب اسلامی یعنی بیکاری، دربدری اینها با این عمل ضد انقلابی خود حد اقل بهره‌ای را که می‌گیرند ما را وادار به کم کاری و تحصن و اعتصاب می‌کنند. اما ما با روشن بینی، اول اعتراض خود را نسبت به این عمل ضد انقلابی و ضد انسانی به اطلاع مقامات مسئول می‌رسانیم. امیدواریم این برادران هر چه زودتر به کار خود باز گردند و ما را در این شرایط که مملکت نیاز بکار بیشتر دارد وادار به تحصن و اعتصاب نکنند.

در ضمن افراد اخراج شدن مدت شش ماه آموزش دیده‌اند و مبلغ زیادی خرج آنها گردیده و مدت شش ماه هم مشغول بکار بوده‌اند و دارای حکم سازمانی هستند.

گروه و کشوری قبول نمی‌کنیم و تنها کمکهائی را که بدون فید و شرط باشد می‌پذیریم. متوجه هستید که در منطقه نظامیهای مختلفی وجود دارد. وجود یک کشور انقلابی آن هم به نام مسلمان بزرگترین ضربه‌ایست که حکومت‌های ضد انقلابی را از پای در می‌آورد و ما هم معتقدیم که نظامی که در افغانستان خواهد آمد کاملاً نظامی انقلابی و اسلامی است. لذا کشورهای اسلامی آن طور که باید از حمایت نکرده‌اند و بخصوص در سطح تبلیغات بطور قاطع عمل نکردند.

اما در مساله‌ای که روسها تبلیغ میکنند که پاکستان و ایران و چین به "شورشیان" (منظورشان انقلابیون افغانستان است) کمک می‌کنند، بوجوبی اساسی است، آنها این طور تبلیغ می‌کنند که گویا چریک‌های ورزیده ما در چین تربیت شده و سلاح‌های چینی دارند که ما آن را بارها تکذیب کرده‌ایم و حتی حاضر شده‌ایم سازمان ملل متحد و یا هر کشوری دیگر داور بکنند. از نظر تبلیغاتی چنینها شدیداً "علیه سکو و مداخله آنها در افغانستان تبلیغ می‌کنند که در این اوضاع به نفع مردم افغانستان تمام می‌شود. این بدان معنی نیست که آنها مستقیماً با ما رابطه دارند، در مورد ایران هم می‌دانید که امام خمینی بارها از ما دفاع کرده‌اند و ما هم پشتیبان انقلاب اسلامی ایران هستیم، و نه تنها سازمان‌های سیاسی و سازمان انقلابی از مبارزات به حق مردم افغانستان دفاع می‌کنند بلکه کلاً "ملت ایران مساله افغانستان را مساله خود می‌داند. لذا دفاع دولت و سازمان‌های انقلابی دیگر از جنبش ما ترجمان آرمانهای والای ملت برادر ایران است."



ندارد و هیچ شرکتی هم چنین حقوقی نمی دهد، باید مدرک بیاورید. کارگران برای بدست آوردن مدرک به شیراز و نزدیک شرکت فرانسوی که حقوق مدت بیکاری را به کارگزارانش پرداخت می کرده، می روند ولی این شرکت به آنها مدرک نمی دهد. کارگران سپس نزد استاندار فارس می روند. استاندار فارس مدرکی به آنها نمی دهد ولیکن به آقای بازرگان استاندار بندر عباس تلفن می زند و می گوید چنین چیزی درست است.

کارگران به بندر عباس باز گشته و نزد استاندار می روند، استاندار به آنها می گوید که باید به وزارت کار بروید و شکایت نامه ای بنویسید. کارگران شکایت نامه ای نوشته و به اداره کار می روند و شکایت نامه خود را ارائه

عرضحال

بسم الله الرحمن الرحيم ۱۳۵۸/۶/۱۸
مقام معظم استانداری استان هرمزگان

احتراما به عرض عالی می رسانند، این جانبان امضاء کنندگان ذیل در شرکت بران اندروث شعبه بندر عباس مشغول کار بوده و اولیا شرکت به بهانه انقلاب، اینجانبان را از کار اخراج و زیادی از بابت مزایای قانونی را پرداخت ننموده. قبل از انقضای مدت قانونی به منظور اعاده حق به اداره کار و امور اجتماعی این استان مراجعه و اعلام شکایت نمودیم ولی اولیا وقت توجهی به عرض تظلم این جانبان ننموده و وجود انقلاب را بهانه کرد. پس از پیروزی انقلاب در زمان آقای دکتر گرجی استاندار، نیز در این زمینه به استانداری اعلام شکایت کردیم و جناب آقای استاندار محترم وقت فرمودند به علت

و نه سد راه و مشعل افرین آنها. این زحمتکشان شریف جزئی از یک نیروی عظیم نو سازی میهن هستند و بدون رفاه آنان صحبت کردن از رشد اقتصادی و خود کفائی و استقلال بی معنی است. ما ضمن پشتیبانی از خواسته های به حق این کارگران شریف و زحمتکش از وزارت کار و دولت موقت می خواهیم که هر چه زودتر نسبت به رفع مشکلات آنها اقدام کرده و آن عده از مامورین دولتی را که بجای خدمت به مردم نسبت به وضع زحمتکشان بی تفاوت و حتی خصمانه رفتار می کنند مورد مواخذه و تجدید تربیت و اصلاح قرار دهند.

متن شکایت نامه کارگران شرکت بران اندروث با امضای عده کثیری از کارگران این شرکت بدین قرار است.

از دیاد کارهای اداری اکنون امکان رسیدگی به شکایت شما نیست. مدتی صبر کنید و بعدا به شکایات شما رسیدگی می شود و فرمایشات آقای استاندار وقت در حقیقت موجه بود و بدین لحاظ جایز دانستیم که صبر انقلابی داشته باشیم. در چندی قبل در این زمینه مجدداً به اداره کار و امور اجتماعی استان اعلام شکایت کرده، در نتیجه برابر نامه شماره ۵۸۸۶/۱۴ به اینجانبان جواب داده شده بر اینکه بعلت انقضای مهلت مقرر قابل رسیدگی نیست، کما اینکه در بدو امر به آن اداره شکایت کرده ایم و پس از پیروزی انقلاب هم به استاندار شکایت نموده ایم. چون همگی دارای کثرت عاقله هستیم سزاور نیست حق قانونی اینجانبان پایمال گردد. از آنجائی که آن مقام با الهام از توجهات زعیم عالیقدر، ضعف را حاشی بوده و هستند به این امید عرض تظلم خود را بسع عالی رسانیده و استدعای رسیدگی و عطف توجه را داریم.

اسلحه توسط مامورین در کلانتری ۳ مدت ۴۸ ساعت باز داشت شدند. و پسر عموی شما اصغر شادمانی را ماموران کمیته دستگیر و با ۹ نفر مدت ۶ روز در شهر بانی زندانی نمودند. ۷- شما که در صحرائی قریه طاحون آباد مالک بودید چندین بار به صحرائی، کشاورزان تجاوز نمودید و اینجانبان در زمان طاغوت شکایت کردیم که ترتیب اثر داده نشد.

۸- در صحرائی اقدر و سنگسر، روزیکه ماموران پاستگاه بصحرا آمدند عده ای از کشاورزان قریه حیران با اسلحه از کوه ها بطرف ما کشاورزان قریه طاحون آباد شلیک نموده و شما نیز به چند نفر آنان پاداش دادید.

سهر - مزار شریف حدود ۲۰ هزار نفر کارگر و تکنسین روسی برای جستجوی گاز و نفت مشغولند. در آموزش و پرورش و در بهداری کشور نیز روسها به تعداد زیادی کار می کنند.

س- مطبوعات وابسته به روسیه سعی می کنند رابطه روسیه با افغانستان و حتی مداخلات نظامی او را در جهت رشد اقتصادی و اجتماعی این کشور قلمداد می کنند. نظر شما چیست؟

ج- روسها برای نفوذ بیشتر خودشان در کشورها و از طرف دیگر برای اینکه چهره کریه خود را در مقابل نهضت های آزادی بخش خوب جلوه بدهند سعی می کنند مداخله مستقیم خود را به گونه ای دیگر مثلا "بعنوان رشد و ترقی جامعه قلمداد کنند. این چیزهایی که در مطبوعات وابسته به آنها منتشر می شود همه دیکته شده از مسکواست. همه می دانیم که روسیه در افغانستان مداخلات ناروائی کرده است و کلیه قرار دادهای او نه تنها در جهت رشد و ترقی کشور نیست بلکه کلیه قوانین بین المللی را نیز پایمال کرده و سد بزرگی در جلوی رشد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ما می باشد. روسها آن چنان ما را غارت کرده اند که از افغانستان فقط یک لاشه مرده بجای مانده است.

س- توطئه امپریالیسم امریکا در جهت نفوذ در داخل جنبش را چگونه ارزیابی می کنید؟

ج- امریکا تلاش می کند که در درون جنبش نفوذ کند همان طوریکه روسها نیز در تلاش هستند ولی جنبش ما اسلامی است و اسلام نفوذ بیگانگان را نمی کند. اینجاست که مبارزات ملت افغانستان هیچگونه وابستگی را قبول نمی کند. برای ما فرقی ندارد که روسها باشند یا غربیها و امریکا ولی در حال حاضر روسها گریبان ما را گرفته اند و ما جنگ مسلحانه با آنها داریم و اگر امریکا بود جنگ مسلحانه ما بر علیه آنها می شد. ماهوشیاری خود را حفظ می کنیم و از تجارب افغانستان درس گرفته ایم.

س- چرا در افغانستان کودتا شد؟

ج- حزب "خلق" و "پرچم" که از زمان داود خان در قدرت سیاسی سهم داشتند هر کدام از آنها بر سر بدست گرفتن تمام قدرت سیاسی همیشه با همدیگر جنگیده اند. این مثل جنگی است بر سر استخوان.

آنها از ابتدا که در قدرت سیاسی سهم داشتند هر کدام برای ثابت کردن خوش خدمتی خودشان به اربابان روسی دست بهر کاری زدند و به مسابقه پرداختند. اما بعد ها

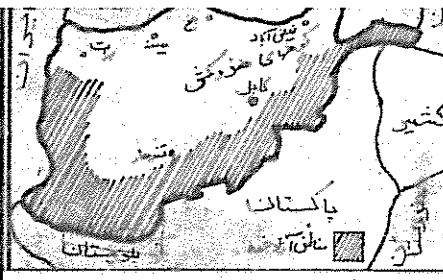
به اینکه خود یک فتوادل زاده پشتونی است آیا می تواند نفوذی در مقابل پشتونستان جهت جلب حمایت آنان نسبت به خود داشته باشد؟

ج- او فرزند یکی از افراد با نفوذ پشتونی باشد و در کالج بزرگی در نزدیکی کابل سکونت دارد حفیظ عضو فعال حزبی است که داود آن را رهبری می کرد (طرفدار شوروی). او از رابطه های که با خاندان شاهی داشت استفاده نمود و برای تحصیل به امریکا رفت. در هنگام مسافرت رئیس جمهوری امریکا به افغانستان او به نفع امریکا تظاهراتی را سازمان داده و رهبری کرد. بعدا او با عصویت در حزب "خلق" و اهمیتی که در این حزب داشت توجه روسها را بخود جلب نمود. در کودتای داود گروه های وابسته به شوروی از داود پشتیبانی کردند و تا پایان حکومت او احزاب "خلق" و "پرچم" با او همکاری می کردند و باستانای یک نفر تمام کابینه داود از این دو حزب بود. ولی بعلت گسترش مبارزات مردم افغانستان و ناراضائی عمومی، روسها "خلق" را مامور کودتا کرده و "پرچمی" ها را از قدرت کنار گذاشتند.

سورد پشتونستان باید بگویم که این منطقه بین پاکستان و افغانستان واقع شده و سالهاست بین این دو کشور بر سر مالکیت این منطقه ادعاهائی وجود داشته و به همین علت این منطقه همیشه خواست خود مختاری داشت. ولی مردم پشتو خود را جزو افغانستان می دانند. در جنبش اخیر مردم افغانستان آنها همواره پشتیبان ما بوده و با اینکه ترهکی و امین هر دو از این قسمت آمده اند، ولی مردم این منطقه همیشه از روسها متنفر بوده و از استقلال افغانستان دفاع می کنند.

س- رابطه جنبش آزادی بخش افغانستان با جنبشهای ضد امپریالیستی جهان و کشورهای منطقه به ویژه کشورهای همسایه چگونه است؟

ج- رابطه ما با جنبشهای آزادی بخش بستگی به طرفداری آنها از جنبش مستضعفین افغانستان دارد. ما معتقدیم که جنبش افغانستان عاری از هر گونه وابستگی و برای آزادیست و هر جنبشی که به خاطر این مساله با ما رابطه برقرار کند با خوشوقتی می پذیریم و هیچ گونه رابطه ای بر اساس فریب و تعلق گوئی برقرار نخواهیم کرد. برای مثال ما از جنبه آزادی بخش فلسطین که مبارزه مسلحانه را به نفع مردم مستعبد علیه صهیونیسم و امپریالیسم به پیش می برد همیشه دفاع کرده و خواهیم کرد. ما تمکلهائی را که از خارج به خاطر وابسته کردن ما باشد از هیچ



از خود گذشتگی پاسدار شهید

هفته ای گذشته خبری منتشر شد که گویای روحیه عالی انقلابی پاسداران انقلاب و از خود گذشتگی بخش عظیمی از آنان در انجام وظایفشان بود.

خبر این بود که در بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۵ شهریور در شهر بانه (کردستان)، نارنجکی از طرف ضد انقلابیون به سوی اتومبیل حامل پاسداران انقلاب پرتاب می شود. سید علی قاضی عسگر، پاسدار اعزامی انقلاب که اهل اصفهان بود، با جابگی و از خود گذشتگی انقلابی در هوا نارنجک را در بغل می گیرد تا بدیگر برادران پاسدارش اصابت نکند. نارنجک در آغوش او منفجر می شود و وی شهید می گردد و بقیه پاسداران از مرگ حتمی رهائی می یابند.

روز بعد جسد پاسدار انقلابی به زادگاهش اصفهان حمل می شود و دهها هزار نفر از مردم اصفهان از جوان انقلابی شهر خود با برگزاری یک تشییع جنازه ی بزرگ تجلیل می کنند.

در مراسم تشییع پدر پاسدار شهید می گوید: من آرزو دارم دیگر فرزندم نیز در راه پاسداری از این راه مقدس به شهادت رسد.

از دست دادن جوانان انقلابی که در راه پاسداری از انقلاب به شهادت می رسند اراده ی خلقی ها را برای ادامه ی انقلاب استوار تر می کند.

هیچ انقلابی با داشتن چنین جوانانی در صفوف خود شکست نخواهد خورد. از سید علی قاضی عسگر، از خود گذشتگی در راه انقلاب را می آموزیم و یادش را گرامی می داریم.

بازماندگان شهدای قارنا افساء میکنند

اخباری از گیلان

چند هفته قبل خبری از کردستان آمد که پس از شهادت ۱۵ نفر از پاسداران شهر نرده به دست عناصر ضدانقلابی حزب دمکرات در گردنه دوآب، عده‌ای از اشرار به بهانه انتقام جوئی به روستای کردنشین "قارنا" از توابع مهاباد حمله کرده و دهقانان را قتل عام کرده‌اند.

در روز ۲۵ شهریور، عسدهای از خانواده‌های کرد این روستا به حضور امام خمینی در قم رسیدند و امام در مورد این جنایت گفتند: "من زاجع به مسائلی که شما آقایان نوشتید مطالعه میکنم و بعد هم اقدام میکنم و شما بدانید این اشخاصی که بر شما ظلم کردند، و قیلا هم دیشب آقای خلخالی بمن گفتند، از اشرار بودند، سرانشان انشاالله گرفتار خواهند شد و من در این باب اقدام میکنم که به عدالت عمل بشود. این افرادی که ستم کردند مربوط به نظام اسلامی و جمهوری اسلامی نبودند، کسانی که مربوط به جمهوری اسلامی باشند، آدمکش نیستند، تعدی و ظلم نمی‌کنند".

هفته‌ی گذشته، رونوشت نامسه‌ی بازماندگان شهدای قارنا که به آقای نخست وزیر نوشته‌اند بدست ما رسید که در زیر مطالعه می‌کنید. این بازماندگان در ضمیمه‌ی این نامه عده‌ای را متهم به ارتکاب این جنایت فجیع کرده‌اند. ما از ارگانهای مسئول و دولت موقت مصر "میخواهیم که هر چه زودتر نسبت به پیگرد و مجازات عاملین این جنایت ضدانقلابی اقدام کنند و مجرمین را سریعاً به کیفر برسانند تا ضد انقلابیون و منحرفین نتوانند از این واقعه بسود خود بهره برداری کنند.

مردم کردستان چشم به دولت برای مجازات آنها دوخته‌اند و هر گونه تعلل در این امر اثرات سیاسی بس ناگواری را در پی خواهد داشت.

متن نامه بازماندگان شهدای قارنا بقرار زیر است:

حضور محترم ریاست دفتر نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران، رونوشت بدفتر امام خمینی.

تظلماً به استحضار می‌رساند چنانکه رادیو ایران چندین بار پخش کرد چند روز قبل عده‌ای راهزن وابسته به حزب منحلہ دمکرات در نزدیکی یاسگاه دوآب در برخوردی موفق به قتل ۱۵ نفر جوان مرد میشوند و بعد از دفن این شهدا در نرده، آقای معبودی به اتفاق فرماندهان هنگ و گروهان زاندارمری نرده و خوانساری فتودال معروف در صدد

از این تعداد است. حتی تراکتور و احشام و حیوانات را با گلوله زد - ۳ کشته و تذبیح نمودند (ذبح کردند) و چند نفر زن جوان را با خود برده گناه این مردم مستضعف فقط کرد بودن بود و لا غیر. اعمال آنان بمراتب از اعمال نازیها و مفلوها بدتر بوده همچنان با این اعمال ضدانقلابی و ضد مردمی و خلاف دین اسلام قلوب اینجانبان بازماندگان این شهدای بی دفاع و مظلوم شریف، شهدای کریلا را جریحه دار نموده، ضمناً قاتلین تمام پول جیب شهدا و پول و اشیاء قیمتی آبادی را غارت و با خود برده‌اند. با توجه به اینکه پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در نرده به معیت جناب حاجی مهدی سهدار نماینده ویژه امام خمینی در نرده وضع اسف‌آور شهدا و بازماندگان آنان را از نزدیک مشاهده و تلفنی جریان را به دفتر امام گزارش کرده، تا بحال کوچکترین اقدامی برای دستگیری و مجازات این مشت غارتگر و خون آشام بعمل نیامده و بنابراین عاجزانه استدعای دستور عدل اسلامی و معرفی قاتلین و مسببین به دادگاه انقلاب را از پیشگاه رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی دارم از طرف بازماندگان شهدای قارنا - سلندوز

- ۱- حاج سید احمد طاهری
- ۲- خلیل خسروی
- ۳- میرزا علی شبرو
- ۴- حاج رحیم بوالدی
- ۵- قادر رامین
- ۶- حاجیه طوبی همسر حاجی شریف اسامی قاتلین که توسط بازماندگان اهالی روستای قارنا شناخته شده‌اند بشرح زیر است:

- ۱- معبودی
- ۲- سرگرد نجفی
- ۳- سروان حاتمی فرمانده زاندارمری
- ۴- حیدر بهرامی ساکن دلمه
- ۵- ابراهیم بهرامی ساکن دلمه
- ۶- مصطفی درخسانی ساکن دلمه
- ۷- عسگر سهرام زاده
- ۸- بایرام علی امینی با برادرش و برادر همسرش ساکن دلمه
- ۹- محبوب بهرام زاده ساکن دلمه
- ۱۰- بایرام علی زاده ساکن دلمه
- ۱۱- محمد آقاپاری
- ۱۲- حسن درخسانی ساکن دلمه
- ۱۳- ریبدان درخسانی ساکن دلمه
- ۱۴- حیدر حلی سار ساکن کاروانسرا
- ۱۵- فرود خسروی فتودال معروف ساکن کبیانه با دارو دست‌اش
- ۱۶- صمد واحدی راننده سپرداری

همکار خسروی فتودال معروف
 ۲۲- رحیم ساکن کبیانه
 ۲۳- اصغر ملک کنندی بادو نفر تهرانی که پسران ایشان را در سر دشت حزب منحلہ دمکرات کردستان اعدام کرده بود. ایشان سر ۱۱ نفر از روستائیان را بریده‌اند.
 ۲۴- جلال پنجر ساز
 ۲۵- قاسم ابرایی تاج و در خاتمه ما بازماندگان شهدای قریه قارنا تقاضای رسیدگی فوری از مقام محترم جمهوری اسلامی داریم.

اسامی شهدای دهکده قارنا:

- ۱- حاجی شریف آبروشی
- ۲- محی الدین آبروشی
- ۳- استاد محمودی شبرو بیسچار آبادی
- ۴- ابراهیم بویا
- ۵- حاجی رحمان شریفی آذر
- ۶- بامینه همسر حاجی رحمان شریفی آذر
- ۷- عثمان شریفی آذر
- ۸- مصطفی بوئی
- ۹- جعفر بوئی
- ۱۰- عمر بوئی
- ۱۱- قادر سلیمانی
- ۱۲- کریم سلیمانی
- ۱۳- رحیم سلیمانی
- ۱۴- سید فتح طاهری
- ۱۵- سید اسماعیل طاهری
- ۱۶- سید رحمان طاهری
- ۱۷- سید قادر طاهری
- ۱۸- حاج سید علی طاهری
- ۱۹- سید محمد طاهری
- ۲۰- علی و برادرش کارگران
- ۲۱- جعفر احمد احمد یوری پسر علی عثمان
- ۲۲- عثمان احمدیوری پسر علی عثمان
- ۲۳- ابوبکر احمدیوری پسر علی عثمان
- ۲۴- ابراهیم رسولی
- ۲۵- محمد عدلی
- ۲۶- مصطفی عدلی
- ۲۷- عثمان عثمان پروری
- ۲۸- رحیم خسروی
- ۲۹- عبدالله خسروی
- ۳۰- ابوبکر خسروی
- ۳۱- سید کریم آرویدی
- ۳۲- رحمان رامعی
- ۳۳- احمد رامعی
- ۳۴- زینب رامعی

ساعت ۱۱ روز جمعه ۳۰ شهریور در محل سالن دبیرستان آزادگان رشت، یک گروه‌های از اصناف مختلف شهر برای شمارش آراء جهت انتخاب دوفرنماینده از هر صنف برای مبارزه با گرانفروشی برگزار گردید. در این گروه‌های آقای اخوان نماینده فرماندار نیز شرکت داشت. این گرد همائی انتخابات به ابتکار فرمانداری برگزار میشد. در ابتدا آقای غیاثوند (کارمند رادیو و تلویزیون) که مسئول سر و سامان دادن و تشکیل دادگاهی از نمایندگان حوزه اصناف برای مبارزه با گرانفروشی شده بود، ضمن بر شمردن مشکلات موجود مملکت اظهار داشت که برای حل آنها باید دست اتحاد و یگانگی بهم دهیم تا مشکلات را بر طرف نمائیم و یکی از این مشکلات هم گران شدن اجناس و اجحاف به زحمتکشان است. سپس شمارش آراء انجام شد و بعد اعلام گردید که وقت جلسه بعد و تصمیم گیری در مورد اینکه کارمان به چه شکلی انجام شده از رادیو اعلام خواهد شد.

آقای غیاثوند در گفتارش تنبیه‌هایی را که برای گرانفروشان در نظر گرفته شده بود بشرح زیر بیان داشت:

- ۱- ابتدا تذکر داده میشود.
- ۲- محل کسب چند روز تعطیل میشود
- ۳- گرانفروش جریمه نقدی میشود و جریمه‌ها به حساب مستضعفین ریخته میشود.
- ۴- گرانفروش شلاق زده میشود.
- ۵- تیرباران میگردد.

ما ضمن تأیید لزوم اتحاد اصناف برای مبارزه با گرانفروشی، معتقدیم که علت اصلی گرانی مایحتاج زندگی، گرانفروشی کسبه و پیشه‌وران خرده پانوده بلکه نابسامانی‌های اقتصادی به ارت رسیده از رژیم طاغوت است. گرانفروشی اصناف علت غیر عمده گرانی مایحتاج زندگی را تشکیل میدهد و علت اصلی را باید در اقتصاد وابسته به بیگانه، سطح نازل تولید و روش‌های انحصارگرایانه‌ی دلالان بزرگ جستجو کرد.

راه حل اساسی مبارزه با گرانی و تورم، فتح وابستگی اقتصادمان به امپریالیسم، رشد تولید ملی و ایجاد نظام توزیعی آزاد و غیر انحصاری است و نیروها را باید برای انجام این وظائف انقلابی تمرکز داد، و گرنه فشار بر کسبه و پیشه‌وران خرده یا نه تنها هیچ دردی را درمان نمیکند بلکه موجب میشود که علل اساسی هم فراموش شوند و پیامدهای سیاسی نامطلوبی هم بوجود آید.

رادیو و تلویزیون مرکز رشت داده شد که در ساعت ۱۱ بعد از ظهر ۵۸/۶/۱۹ از رادیو پخش شد ولی جمله‌ی: "ما می‌آموزیم که چون او منطقی به جز منطق خلق را که مبارزه‌ای بی امان علیه امپریالیستها بویزه آمریکا و شوروی است نپذیریم." سانسور گردید.

برای اطلاع از اینکه چرا این جمله سانسور شده‌ها مدیرکل رادیو تلویزیون گیلان تماس گرفتیم و بعد از تشکر از پخش پیام، علت حذف این جمله را جویا شدیم. ایشان گفتند که چون پیام‌ها زیاد بوده همه آنها را کم کرده‌ایم ولی از اینکه بهترین قسمت پیام شما حذف شده اظهار تأسف کرد و موافق این نبود که شوروی دوست ماست.

این توضیح را پذیرفتیم و امیدواریم رادیو تلویزیون گیلان در امر افشا و مبارزه با دوا بر قدرت و خدمت به انقلاب میهنمان موفقیت‌های بیشتری کسب کند.

بعد از درج خبر حادثه ۱۷ شهریور در رشت در "رنجبر" (شماره ۲۶)، موج اعتراض و تهمت و بر حسب زنی به سازمان انقلابی بوسیله چپ‌نماها به اوج خود رسید. این اعتراضات بوسیله آمدن چند نفر آن‌ها به دفتر "رنجبر" در رشت، درگیریهای لفظی با رفقا و هواداران سازمان خود را نشان میداد.

چند تن از رفقا برای توضیح به محل تجمع آنها رفته و با آنها به بحث پرداختند در این بحث‌ها حداقل ۵۰ نفر از آنها شرکت داشتند که اکثر هواداران قانع میشدند فقط چند تن از سرخستان چپ نما بودند که هیچ گونه تغییری در موضعشان ایجاد نمیشد و حرفهای همیشگی خود را تکرار میکردند. جالب این بود که یکی از جلسات بحث را خود آنها ترتیب داده و به دفتر "رنجبر" تلفن کردند و از ما خواستند که در جلسه آنها شرکت کنیم. موضوع بحث بیشتر روی حادثه ۱۷ شهریور، دولت، سوسیال امپریالیسم شوروی، حزب دمکرات کردستان و واقعه دور میزد.

ورشکستگی سیاسی خط مشی انحرافی چپ نماها هر روز برای تعداد بیشتری از توده‌های صادق و انقلابی آنها روشن میشود و عده بیشتری در مسیر وحدت بزرگ خلق و میهن پرستی انقلابی قرار میگیرند.

* توضیح و تصحیح *

در "رنجبر" شماره ۲۶ در گزارش "درگیری ۱۷ شهریور در رشت" نوشته شده

از دفن این شهدا در نرده، آقای میبیدی به اتفاق فرماندهان هنگ و گروهان زاندارمری نرده و خوانساری فتودال معروف در صدد قصاص غیرشرعی برآمده و بجای گرفتن انتقام از راهزنان فتودال صفت، با تعداد زیادی جوانمرد بومی از اهالی نرده و حومه با سه دستگاه تانک و چند دستگاه نفر برزاندازمری عازم روستای قارنا واقع در ۶ کیلومتری نرده می شوند. قبلا " اطراف آبادی را محاصره و از عالم آبادی گرفته تا کودکان صغار را قتل عام نموده، ۴۸ نفر را کشته و از این تعداد ۱۱ نفر آنان را سر بریده که عالم آبادی یکی

۱۵- فرود حسروی فتودال معروف با اس کیسانه با دارو دستهای
۱۶- صمد واحدی راننده سپرداری نرده
۱۷- معروف یگانه راننده سپرداری نرده
۱۸- بایرام شریفی سردسته جوانمردان ساکن بالقی
۱۹- قربانعلی صباغی ساکن نرده
۲۰- بهراد میرزا خانی سردسته جوانمردان نرده در جلدیان
۲۱- عزیز قادری پسر عبدالله قادری

۳۳- فرحان رامعی
۳۴- احمد رامعی
۳۵- رجب رامعی
۳۶- حاجان رامعی
۳۷- حسرو انشینی
۳۸- سلیمان حمزه یور
۳۹- رسول عجم
۴۰- ملا محمود سفرزاده بیستمار یا عالم آبادی
۴۱ تا ۴۳- سه نفر ناشناس
۴۴ تا ۴۷- چهار نفر که حسدشان هنوز پیدا نشده است.

علل اساسی هم فراموش شوند و بیامدهای سیاسی نامطلوبی هم بوجود آید.
* * *
بعد از درگذشت حضرت آیت الله طالقانی اعلامیه‌ای بوسیله سازمان انقلابی-بخش گیلان بمناسبت درگذشت ایشان تهیه و در شهر رشت پخش شد. ضمنا " همان اعلامیه بنام پیام سازمان انقلابی-بخش گیلان به

بلغارستان و قاچاق اسلحه به ایران

قبیل " مناسبات صمیمانه " بین ایران و بلغارستان را که به نفع طرفین می باشد تیره خواهد کرد و بطور تهدید آمیز افزود. افرادی که بیاناتی از این قبیل منتشر میکنند باید دقت بیشتری در بیانات خود داشته باشند. همانطوریکه به خاطر میاید صادق طباطبائی سخنگوی دولت و معاون نخست وزیر چندی پیش اعلان نموده بود که اسلحه های ساخت روسی از طریق بلغارستان به طور مخفی وارد ایران می شوند و این سلاح و مهمات از طرف گروههای طرفدار روسیه در کردستان بر علیه نیروهای دولتی بکار گرفته میشوند.

هر روز که می گذرد اخبار بیشتری از دخالت ابر قدرت روس در امور داخلی ایران و فعالیت های ضد انقلابی آن بر ملامت شود. آنچه در زیر می آید بخشی از یک خبر از روزنامه " آیدن لیک " ارگان حزب کارگران و دهقانان ترکیه است (۱۱ سپتامبر ۱۹۷۹).
" حکومت بلغارستان طی مصاحبه ای با خبرگزاری رسمی بلغارستان بیانات مقامات ایرانی مبنی بر حمل اسلحه از طریق بلغارستان به عجزیه طلبان ایران را رد کرده و ادعا نموده است که این امر واقعیت ندارد. در این مصاحبه قید شده که خبرهایی از این

* هشدار نماینده امام در کردستان *

بدین ترتیب ایشان هشدار دادند که اکتفا به پیشرویهها و پیروزیهای اخیر یاسداران و ارتش به عنوان حل نهائی مساله کردستان اشتباه است.
حجت الاسلام کرمانی در مورد سرسپردگی ضد انقلاب در منطقه و دخالت قدرتهای امپریالیستی و وابستگان آنها صحبت نمودند و در این باره گفتند: " اطمینان دارم دست شوروی، اسرائیل و آمریکا در کار است. و این حقایق بر اساس شواهدی است که در منطقه موجود است و تا کنون دلائل زیادی که حاکی از دخالتهای شوروی و آمریکا و

هفته گذشته حجت الاسلام شیخ حسین کرمانی نماینده امام خمینی در کرمانشاه مطالب مهمی را درباره حوادث کردستان و اوضاع فعلی آن منطقه مطرح نمودند که باید مورد توجه کلیه هم میهنان قرار گیرد.
حجت الاسلام کرمانی ضمن بیان این مطلب که علاقمندند بی پرده صحبت کنند و حقایق را با افکار عمومی در میان بگذارند، در مورد اوضاع بحرانی کردستان به ملت و دولت اخطار دادند که قضیه کردستان تمام نشده است و رهبری حزب دمکرات تدارک می بیند که در فصل زمستان مجددا عملیات مسلحانه را بر علیه دولت مرکزی آغاز کند.

اسناد آقای سفیر!

مدتی گذشت و از اسناد وعده داده شده آقای مگری خبری نشد، مگر تکه هایی از روزنامه های سرمایه داران اروپا و آمریکا و یا خود روسها که ایشان در مصاحبه ای آنرا بعنوان اسناد خویش عرضه داشتند.
حال وقتی که پته روسیه روی آب می افتد و دخالت او در کردستان بر مردم روشنتر میشود، ایشان ابراز میدارند که سندی در اختیار ندارند.
چطور است که سفیر ایران در شوروی در مورد دخالت آمریکا و صهیونیسم در مسکو سند بدست می آورد ولی در مورد دخالت روسیه هیچگونه سندی ندارد؟
مردم مایخوبی از توطئه های امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی در کردستان با خبرند. با سندهای آقای مگری یا بی سند.

هفته گذشته بار دیگر آقای مگری- سفیر ایران در شوروی یک مصاحبه مطبوعاتی با خبرگزاری پارس انجام دادند و بار دیگر دخالت امپریالیسم روسیه را در کردستان ایران جاشا کردند. ایشان گفتند:
" در ماحرای کردستان بیشتر دخالت کشورهای استعماری و صددرد صهیونیستها وجود داشت و من دخالت شوروی را در این مورد صحیح نمیدانم و در این باره سندی ندارم...
خوانندگان ما حتما " بیاد دارند که دو هفته پیش آقای مگری با سرو صدای فراوان از مسکو به تهران آمد و اعلام داشت که اسنادی در اختیار دارد که نشان میدهد توطئه کردستان فقط زیر سر صهیونیسم و آمریکا است. (و تلویحا " اینکه روسیه دخالتی ندارد)

● مصاحبه سید احمد ●

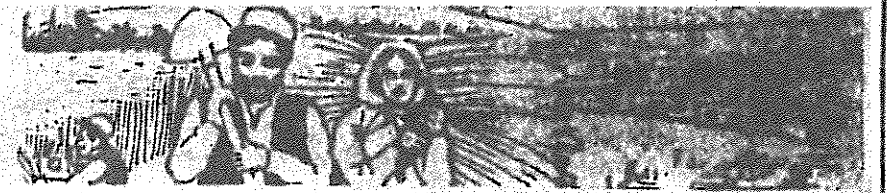
فشرده آنان با زحمتکنیان شهر و روستا باید درسی باشد که کلیه روشنفکران از آن بیاموزند و خود را تماما " و کاملا " در خدمت زحمتکنیان قرار دهند. زندگی و مبارزات روحانیون واقعی ثابت میکند که سر سخنان ضد اسلام پایه گویانی بیش نیستند.
سید احمد خمینی در قسمت دیگری از سخنان خود از مجازاتهای اعدام در قبال انحرافات اخلاقی انتقاد نموده و بدرستی اشاره کردند که باید به علت برداخت و با نو سازی جامعه ریشه های اصلی انحرافات و فساد را از بین برد آنوقت حق داریم مجازات های شرعی را در حق کسی اجرا کنیم. در حال حاضر بسیاری از منحرفین و خطا کاران خود از قربانیان نظام طاغوتی هستند. انحرافات اخلاقی علل اجتماعی دارند، با تغییر اجتماع، مبارزه با علل است که بطور اساسی ریشه کن میگردند.

● بیانیه مشترک ●

این وحدت در زمانی به تحقق پیوست که کمیته تدارک ایجاد حزب کمونیست ایران، مرکب از سازمان انقلابی، سازمان اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر و سازمان کمونرها نیز تشکیل شده و مسئله ایجاد حزب کمونیست ایران را در دستور کار خود قرار داده بود.
ما از تشکیل کمیته تدارک استقبال کرده و از همه مارکسیست-لنینیستها دعوت می کنیم تا در فعالیت این کمیته شرکت کنند و از این راه به آرزوی دیرینه مارکسیست-لنینیستهای ایران در راه ایجاد حزب کمک نمایند.
بر اساس توافق فوق سازمان مارکسیستی-لنینیستی ایران به سازمان انقلابی پیوست و از کلیه طرف داران خود دعوت می کند تا همانند گذشته به این نزدیکی و وحدت خوش آمد گفته و به سازمان انقلابی کمک برسانند. روزنامه " پرولتر " از این پس دیگر منتشر نخواهد شد. ما از رفقا و طرفداران دعوت می کنیم تا روزنامه " رنجبر " را به عنوان ارگان مرکزی سازمان انقلابی مطالعه کرده و از کلیه امکانات خود برای بردن نظرات مطروحه در آن به میان توده ها استفاده کنند. در عین حال برای تقویت آن از هیچ کوششی مضایقه نکنند.

سازمان مارکسیستی-لنینیستی ایران
سازمان انقلابی
۱۳۵۸/۴/۲۰

مخبر



سازش با فئودالهای ستمگر به زیان انقلاب است

چند روز پیش یکی از فئودالهای کردستان بنام "پله بیک" بوسیله دو نفر ناشناس ترور شد. یکی از همراهان پله بیک در جا کشته و پله بیک زخمی شده و بوسیله دولت به تهران منتقل گردید که بعد از چند روز فوت و با هلی کوپتر به ارومیه بازگردانده شد.

پله بیک از آن دسته فئودالهای شرور بود که تا چندی قبل با همکاری چند فئودال دیگر در منطقه اطراف ارومیه حادثه آفرینی میکرد. او یک جریان مسلحانه ضد انقلابی علیه دولت براه انداخته بود. مانع ورود نیروهای زاندارمری به منطقه "سرو" میشد. علاوه بر آن پله بیک از آنجمله فئودالهایی بود که تا کنون دهقانان زیادی را بزور از زمین و خانه خود رانده و آنها را آواره نموده است. این دهقانان زحمتکش اکنون نیز در اطراف ارومیه سرگردانند.

در جریان حوادث ضد انقلابی "سرو" که بوسیله این فئودالها براه افتاده بود، استاندار آذربایجان غربی با آنها وارد مذاکره شده و طرفین - بقول خودشان - به تفاهم رسیدند. رادیوایران هم در آن موقع این خبر را اعلام نمود.

پس از این مذاکرات و سازش غیراصولی دولت مرکزی با فئودالها - عوض سرکوب

آنها - بود که منطقه "سرو" باصطلاح آرام شده و پله بیک بعد از این سازش باصطلاح طرفدار دولت جمهوری اسلامی شد! اخیراً هم بعد از این ترور، رادیو ایران بدفاع از این خانها برخاستند و مدعی است که این فئودالها طرفدار جمهوری اسلامی و مخالف حزب منحل دموکرات هستند! آنچه بنظر میرسد آنستکه دولت وقت بخاطر سرکوب نیروهای ارتجاعی وابسته مانند دار و دسته قاسملو، به سازش با این گونه فئودالها تن در داده است و این کاری بس نادرست است. برای مبارزه با سران حزب دموکرات باید به توده های دهقانی و مردم تکیه کرد. با تکیه بیک طبقه ارتجاعی، مانند فئودالها شاید در کوتاه مدت موفقیت هایی بدست آید ولی از سوی دیگر دهقانان زحمتکش را که هر روز زیر استثمار ستم این فئودالها قرار دارند از دولت ملی دور ساخته و به سران خائن حزب دموکرات فرصت میدهد که از این جدائی برای توطئه گری های ضد انقلابی خود سودجویند. دهقانان آماده شده اطراف ارومیه خواستار سرکوب فئودالهای مرتجع اند. باید به این خواست جواب گفت، با دهقانان متحد شد و مبارزه با سران حزب دموکرات را با تکیه به زحمتکش، نه فئودالها بجلو راند.

گزارشی از

قربان آباد (گروگان)

روستای قربان آباد در ۸ کیلومتری گروگان و در جاده گروگان - آق فلا (پهلویدر سابق) قرار دارد. این روستای ترکمن نشین دارای ۱۰۰ خانوار است که بیش از ۶۰ خانوار آن بی زمین هستند و مجبورند که برای اربابان و بصورت رعیت کار کنند و با تمام مشقات و رنج چیزی کمتر از $\frac{1}{3}$ محصول نصیبان می شود. ۴۰ خانوار دیگر هم اغلب کمتر از ۴ هکتار زمین دارند که بعضی از آنها خود شامل چند خانوار می شوند. دهها ارباب غاصب با کمک تیمسار مزین ها و ساواکو و زاندارمری و به زور اسلحه بر زمین های مردم قربان آباد چنگ انداخته و به مکیدن خون زحمتکش این روستا مشغولند.

مردم قربان آباد برای از دست ندادن این زمین ها در سال ۴۲ بر علیه اربابان غاصب شوریدند که توسط افراد مزدور زاندارمری سرکوب شدند. در این سال اربابان برای به چنگ آوردن این زمین ها با تهبانی با زاندارمری، زاندارم ها را بر سر مردم قربان آباد که برای گرفتن حق خود اعتراض کرده بودند، ریختند. زاندارمها با قنداق تفنگ و چوب به جان روستائیان افتادند و با مقاومت دلیرانه مردم مواجه شدند. چند روزی درگیری و کشمکش ادامه داشت و تعداد زیادی از مردم دست و پایشان شکست و آسیب دید ولی زاندارمها را هم مجروح کردند و چندین تفنگ آنها را شکستند. حتی در روستا حکومت نظامی اجرا شد و هیچ مردی اجازه نداشت در روستا بماند و یا به زمین های خود نزدیک شود. بالاخره زاندارمها به زور اسلحه غلبه کردند ولی مردم قربان آباد با مبارزه ی خود نمونه ای از روحیه مقاومت و زیر بار زور نرفتن را در تاریخ روستا و منطقه خود برجای گذاشتند.

اکنون پس از به ثمر رسیدن انقلاب، مردم قربان آباد منتظرند تا دولت در مورد زمین های آنها که توسط سرلشکر مزین و چندین نفر دیگر از غاصبین به زور زاندارمری از چنگشان در آورده اند، تصمیم گرفته و اقدام کند. آقای حسین ایزدی، یکی از نمایندگان شورای دهقانی قربان آباد در این مورد گفت: "به ما در مورد پس گرفتن زمین هایمان پیشنهاد کردند همانطور که زمین های ما را هنگامیکه محصول آن در حال رسیدن بود درو کردند و گرفتند، ما هم همین کار را می کنیم و محصول ارباب را درو کرده و زمین های خود را پس بگیریم ولی ما فکر کردیم درست است که زمین مال ما است و درست است که آنها این عمل غیر انسانی را انجام دادند ولی

نصیب ما هم نشود، بهر حال هموطنان ما در دیگر نقاط ایران می توانند از آن استفاده کرده و بدین ترتیب وابستگی ما و نیاز ما به خارج کمتر می شود. به این دلیل ما اجازه دادیم تا محصول بدست آید و حتی به علت آنکه دیر متوجه شدیم، ۲۰ درصدی که دولت به روستائیان داده بود را هم نتوانستیم بگیریم. حالا هم منتظریم که ببینیم دولت چه طرحی برای پس دادن زمین های ما می دهد و اگر دولت کاری انجام ندهد، مجبور می شویم که خودمان دست بکار شویم و زمین هایمان را پس بگیریم."

شورای دهقانی این روستا از ۵ نفر تشکیل شده است که با رأی مردم روستا انتخاب شده اند، اعضای این شورا عبارتند از: حسین ایزدی - قربان عزتی - محمد ایزدی - اوقلی ایزدی - سرداری.

این روستا آب آشامیدنی ندارد. به تازگی اعضای شورای دهقانی با مراجعه به فرمانداری گروگان در صدد ایجاد لوله کشی بر آمده اند. از گذشته برای این روستا اعتباری برای کارهای عمرانی تعیین شده بود که اهالی می خواستند با استفاده از آن و کمک خود مخارج لوله کشی را تأمین کنند که این اعتبار هم فعلاً "برگشت خورده ولی فرماندار گروگان خواسته است تا این اعتبار هر چه زودتر از مرکز باز گردانده شود و به خرج لوله کشی برسد. فعلاً روستائیان مجبورند که آب مورد نیاز خود را از فاصله یکی دو کیلومتری و آنهم با دردسر زیاد با دست و پا بوسیله الاغ بیاورند که اغلب خیلی از آن در راه می ریزد. در فصل بارندگی هم به علت وجود گل و لای و بارندگی

مجبورند از آب باران استفاده کنند. قبل از انقلاب، اربابها اجازه نمی دادند که اهالی روستا از آب چاهها استفاده کنند و مردم مجبور بودند که آب را از فاصله دورتری تهیه کنند. هنگام عبور از جاده هم اغلب با خطر تصادف روبرو هستند و چندین مورد هم تصادف پیش آمده که منجر به زخمی و مجروح شدن و شکستن دست و پا شده است. آخرین مورد آن در یکی دو ماه پیش بوده که یکی از زنان این روستا هنگام عبور از جاده در حالیکه سطل های سنگین آب را حمل می کرده تصادف کرده و اکنون بر اثر شکستگی در گوشه خانه افتاده است.

روستای قربان آباد دارای یک دبستان ۵ کلاسه است و از درمانگاه و بهداشت و دکتر خبری نیست. مشکل و مسئله عمده در این روستا مانند تمام روستاهای ترکمن صحرا، مسئله زمین است. دولت باید هر چه زودتر با احترام به همکاری اهالی این روستا که فرصت داده اند تا دولت در این مورد تصمیم بگیرد، مسئله زمین را به نفع روستائیان زحمتکش قربان آباد و ترکمن صحرا و منطقه حل کند، تا آنان با امید و توان بیشتری به رشد و تولیدات و بریدن وابستگی های غذایی ما به خارج بکوشند و مجبور نباشند تا برده وار بر روی زمین های متعلق به خود جان بکنند و در آخر عواید و نتیجه زحمات آنان به جیب مشتی مالک غاصب برود.

فرماندار گروگان و مسئولین منطقه هم باید هر چه زودتر بفکر از بین بردن نیازهای مردم روستاهای منطقه باشند. ما از خواسته های مردم قربان آباد برای باز پس گرفتن زمین های خود و رفع نیازمندیهای دیگر پشتیبانی کرده و از دولت و مسئولین می خواهیم تا در حل این مسائل بکوشند.



بعضی از مسائل طاحون آباد را نیز تشریح نموده است.

امروز با یکی از کشاورزان ده طاحون آباد حرکت کردم به سوی این ده. ۷ کیلو متر اسفالت است (جاده ملایر همدان). می‌رویم به یک کوره راه، وارد کوره راه می‌شویم، ده دقیقه راه می‌رویم و به یک آبادی می‌رسیم. از کنار این آبادی رد می‌شویم، باز در یک کوره راه می‌رویم، راه خیلی خراب است. و اطرافمان تمام تپه است و زمینها کاشته نشده. تمام زمینها زرد است یعنی علف هرز روئیده. می‌رسیم به دوآبادی که تقریباً ۳ کیلومتری ما است. این دوست کشاورز میگوید این دو ده خالی از سکنه است. از او سؤال می‌کنم چرا می‌گوید. در این دو ده ۴ کرد بود و ۴ ترک و آنها قربانی توطئه‌های وابستگان رژیم شدند. آنها را به جان هم انداختند و از طرفین چندین نفر کشته شدند و همه از این ده رفتند و حالا در شهر کارگری می‌کنند.

گفتم پس این زمینها و این درختها و خانه‌ها همین طور مانده برای کی؟ او گفت: چند نفر آدم بی پدر مادر آمدند و زمینها را شخم زده‌اند و یک نفر هم که من او را می‌شناسم تمام تیرهای خانه‌ها را در آورد و برد به دهشان. حتی تمام پنجره‌های خانه‌ها را در آورد و برد توی ده فروخت.

جاده خیلی خراب است. من نمی‌دانم اینها در زمستان چطوری آمد و رفت میکنند. دوست کشاورز ما مرتب صحبت می‌کند و در اطراف ما دهات است به فاصله‌های دور. او می‌گوید این زمینها مال فلان ده است و آن زمینها مال فلان ده. از او سؤال می‌کنم چطوری می‌دانید این زمینها مال فلان ده است و بگو ببینم اساساً چطوری این زمینها در زمان قدیم تقسیم شده؟ او گفت زمین تمام این اطراف و تمام مناطق دیگر که در

میان کوه و یا تپه هستند از روی آب ریز تعیین شد. یعنی وقتی که باران می‌آید و آب باران به طرفی سرازیر شود که در پایین آن ده باشد تمام آن زمینها مال آن ده است. حال بستگی دارد که میدان آن تپه‌ها اگر زیاد باشد، خوب آن ده دارای زمینهای زیادتری است. اگر میدان تپه‌ها کم باشد آن ده دارای زمین کم تری است.

ما درست یک ساعت نیم توی تپه‌ها و از این کوره راه می‌رویم. جوان کشاورز ما صحبت می‌کند و می‌گوید ده ما ماشین ندارد فقط یک نفر از اهالی ده یک وانت بار کوچک

هیچ درخت ندارد. ده در دامان یک تپه است و در اول ده چندین درخت است. از دوست کشاورزمان سؤال می‌کنم: ده شما آب ندارد؟ او میگوید نه ما آب نداریم. حتی قنات هم نداریم و هر خانه یک چاه توی خانه‌شان زده‌اند و یکی از اهالی ده یک چاه کوچک زده و یک موتور آب کوچک گذاشته که در ۲۴ ساعت فقط یک ساعت آب دارد و این درختها را (۳ عدد) کاشته است. وارد ده می‌شویم. از دوستان سؤال می‌کنم: اینجا چند خانوار است؟ او میگوید این ده تقریباً ۱۰۰ خانوار دارد. و مرابه خانه‌شان می‌برد. حیاط بزرگی است و یک چیز عجیب می‌بینم و آن این است که در طویله‌های گوسفندان از سنگ است و خیلی خوب آنها را کار گذاشته‌اند. می‌رویم بالا توی اتاق و همه خانواده این دوست کشاورز ما می‌آیند می‌نشینند و جای می‌آورند. دوغ می‌آورند. آنها خیلی مهربان با من رفتار کردند. بعد یکی یکی می‌روند.

دوست کشاورز من می‌گوید من بروم چند نفر را بیاورم همین جا با آنها صحبت کنیم. من به او می‌گویم به همه ده بگو ما می‌خواهیم حقیقت را بنویسیم. او کمی فکر می‌کند و بلند می‌شود و به من می‌گوید بمان تا من بیایم. او می‌رود و من تنها می‌مانم توی خانه. و اثنای یک پنجره به ده دارم. من از آن پنجره ده را نگاه می‌کنم. در تمام این ده یک خانه تازه ساز وجود ندارد. زنها دارند گندم را تمیز می‌کنند و بچه‌ها در میان خاک بازی می‌کنند.

بعد از چند لحظه صدای بلند گو به گوشم می‌رسد اول فکر می‌کنم که مدرسه است و معلم دارد برای شاگردانش درس می‌دهد. خوب گوش می‌دهم چیزی حالی‌ام نمی‌شود. بعد از یک ساعت دوست کشاورز می‌آید و می‌گوید به اهل ده با بلند گو گفتیم بیایند مسجد که در آنجا درباره نامه دکتر شادمانی صحبت کنند. این بهتر است. او به من می‌گوید بلند شو تا برویم به مسجد. باهم بلند می‌شویم و می‌رویم در مسجد و وقتی وارد مسجد می‌شویم تمام پیرمردها و جوانها آمده‌اند با همه آنها دست می‌دهم و صورتهای آنها را می‌بوسم و همگی می‌نشینیم. مسجد هیچ فرشی ندارد یکی از اهالی می‌رود فرش بیاورد من دست او را می‌گیرم ولی او می‌رود. من حالا احساس می‌کنم توی دهقانان هستم آنها ۳۵ نفر هستند و چند نفرشان دارند رنجبر می‌خوانند و چند تا رنجبر هم همین طوری توی مسجد افتاده است. همه جمع شده‌اند من در میان آنها

که زمین مال ما است و درست است که آنها این عمل غیر انسانی را انجام دادند ولی این محصول که فعلاً روی زمین است، اگر

نشسته‌ام یکی از پیر مردها شروع به صحبت کردن می‌کند و به اهالی می‌گوید ما اینجا جمع شده‌ایم که جواب حرفهای دکتر شادمانی را بدهیم او یک نامه به رنجبر فرستاده. گفت که تمام اتهاماتی که به من زده‌اند دروغ است. یکی دیگر قلم و کاغذ حاضر می‌کند و می‌گوید یک به یک بخوان و یکی دیگر از اهالی شروع به خواندن می‌کند و آن پیر مرد که قلم در دست دارد شروع به جواب دادن می‌کند. این کار درست یک ساعت طول می‌کشد و جواب نامه دکتر شادمانی داده می‌شود. (قسمتهایی از آن در این شماره آمده) و بعد همان پیر مرد کاغذ را که جواب حرفهای شادمانی است می‌دهد به دست من و می‌گوید برادر شاید من نتوانم مثل تو بنویسم ولی خوب و بد آنرا ببخش. می‌گویم من وقتی رسیدم به ده شما، احساس کردم که این ده دو چیز خیلی مهم است. یکی از دهقانان گفت آره برادر ما چندین نفر از عزیزانمان در این راه مردند. می‌دانید کی مردند؟ در زمستان میان برف ماندند و مردند. این دهقان وقتی حرفش تمام شد اکثریت دهقانان گفتند مسئله شان آب است. بیشتر آنها گفتند ما به یک چاه عمیق احتیاج داریم. ما حاضر هستیم خودمان پول جمع کنیم و به دولت کمک کنیم و آدم هم می‌دهیم و یک چاه برای ما بزنند و وقتی که حاصل به دستمان رسید پول دولت را می‌گذاریم روی چشم و تقدیم می‌کنیم. از رنجبر هم می‌خواهیم که این خواسته‌های ما را به گوش دولت برساند.

در ده ما یک مسئله مهم دیگر، داشتن یک شرکت تعاونی است. ما شرکت نداریم و خیلی ناراحت هستیم. من قبلاً از یکی از دهقانان سؤال کرده بودم که حمام این ده چطوری است او گفته بود که حمام این ده خزینه است یعنی قدیمی است. گفتم در مورد حمام چه بنویسیم؟ او گفت ای برادر جان این زیاد مهم نیست برای ما آب و جاده مهم است و از این دو باز آب‌ها همه مهمتر است. برادر زندگی دهقانان به آب بستگی دارد. برادر جان، ما زمین زیاد داریم ولی این زمینها باید دیمی کاشته شود و دیم هم اگر باران بیاید بد نیست. اگر باران نیاید خوب معلوم است ما بیچاره می‌شویم.

همه ما از مسجد بلند شدیم. مردم هم رنجبرهایشان را لوله کردند و با ما آمدند. ما رفتیم خانه آن کشاورز و شب تا ساعت ۱ آنجا بودیم و دو نفر هم آمدند آنجا. آنها در شهر کار می‌کنند. یکی در بیمارستان و یکی دیگر یاسیان بود. با آنها صحبت کردم. یکی از آنها می‌گفت باید به این ده کمک کنیم که آباد شود. من مسئله شورای دهقانی را گفتم، و گفتم دهی که جوانهایی مثل شما دارد شما باید خدمت کنید و در این ده آن کسانی را که می‌دانید آدم خوبی هستند و گذشته خوبی دارند، پیر مرد هم باشد یا جوان فرقی نمی‌کند، با آنها مسئله شورا را بگوئید و بروید بپایش برای بوجود آوردن شورا. یکی از آنها گفت من صبح در شهر کار دارم وقتی که بیکار بودم می‌آیم و همه را باز صدا می‌کنم توی مسجد. شورا را باید بوجود بیاوریم. من به او گفتم. امید که این بار من آدم اینجا ببینم شورا را بوجود آوردید. چون از طریق شورا همه کار می‌شود برای ده کرد.

بلند شدیم که حرکت کنیم برای شهر و در بیرون یکی از آن جوانها گفت ببین آن صحرا را (فاصله دوری که تقریباً ۱۰ کیلو متر با ده اینها فاصله دارد) در آنجا زمان رژیم طاغوتی ۴۸ عدد چاه عمیق زده شد. و میلیاردها تومان پول ریخته شد ولی رژیم سابق روی آنها را بسته و همین طور بدون فایده مانده. به او گفتم مگر در آنجا زمین کشاورزی نیست؟ گفت چرا هست ولی نمی‌دانم چرا این همه چاه عمیق را در این صحرا زده‌اند. در آنجا ۴۸ چاه عمیق است و بدون فایده مانده و ما برای یک چاه نمی‌دانیم چکار کنیم.

توطئه گری گروه...
ما از ارگانه‌های انقلاب و دولت موقت می‌خواهیم که سریعاً دست به افشاگری فعالیت نیروهای وابسته به دو ابر قدرت در کردستان بزنند چه شرط اساسی پیروزی افشاگری و انفراد سیاسی نیروهای ضد انقلابی وابسته به ابر قدرت‌هاست و در این راه باید با هر گونه سیاست مدارا جوئی نسبت به امپریالیسم روس مبارزه کرد و دخالتهای آشکار ضد انقلابی آن را در کردستان ایران افشاء نمود.

پاسخ دهقانان

پس از درج گزارش از وضع دهقانان طاحون آباد در رنجبر شماره ۱۸، دکتر شادمانی طی نامه‌ای مطالب این گزارش را تکذیب نمود. آنچه می‌خوانید پاسخ دهقانان طاحون آباد است.

۱- تا آنجا که ما کشاورزان قریه‌ی طاحون آباد اطلاع کامل داریم شما هم پزشک قانونی بودید و هم همکار دکتر منصورنورانی. (دکتر نورانی فراری است)

۲- در قریه طاحون آباد مقدار چهار صد هکتار زمین در تاریخ ۱۳۴۷ از آقای اقبال مالک سابق خریداری شد که قیمت آن ۲۷ هزار تومان بود. در تاریخ ۱۳۵۷ ما کشاورزان بابت آن زمین قول نامه نمودیم و مبلغ ۱۴۰ هزار تومان پرداخت کردیم که متأسفانه تا کنون سند آن را مرحمت نفرمودید. علاوه بر این چهار صد هکتار به سیصد هکتار دیگر از زمین‌های ما کشاورزان تجاوز نمودید که خود این زمین فعلاً هم معلوم است.

در محل شادمان هم مالک بودید، که در تاریخ ۱۳۵۷ به کشاورزان قریه عربلو فروختید. و در صحرای حیدر در همدان و صحرای حصارخان سابق مالک زمین می‌باشید. و همینطور در علی آباد همدان دارای زمین هستید.

۳- ما کشاورزان تا آنجا که اطلاع داریم. در آن موقع نایب شما بنام میرزا حسین غلامی اهل قریه حیران، با چند نفر دیگر که دارای اسلحه بودند با ساواک ارتباط داشتند. و پرونده‌ای که در آن یک قبضه اسلحه از نام برده گرفته شده. در دادگاه سندانج وجود دارد.

۴- اینجانبان با صدای بلند اظهار میداریم یک قطعه زمین بنام اقدروسنگسکه ۴۰ سال پیش خود مالکان یا خرید از صحرای حیران به صحرای طاحون آباد فروخته بودند و نیز ثبت قباله کامل بوده. مدت ۹ سال است که آقای دکتر شادمانی بنام کشاورزان قریه حیران علیه ما کشاورزان پرونده سازی می‌کند. خوشبختانه مدارک در دفتر ثبت، حق و حقیقت را ثابت نموده است و دولت انقلاب جمهوری اسلامی واگذاری زمین را به صاحب حق نموده و از طرف مأمور ثبت، دو بقیه در صفحه ۳

*** رنجبر و خوانندگان ***

دوستان رنجبر خسته نباشید :

یکی از هدفهای والا و مقدس سازمان انقلابی در مرحله کنونی ایران امر وحدت کلیه نیروهای ضد امپریالیستی بخصوص ضد دوا پر قدرت (شوروی و آمریکا) می باشد . امیدوارم که به کمک خلق این امر میسر گردد . در موارد زیر سئوالاتی برای ما بوجود آمده :

- ۱ - مقاله استعمار را چرا ادامه ندادید .
- ۲ - چرا در زیر روزنامه رنجبر با حروف درشت مثلا " شعار (نه آمریکا نه روسیه ... و یا زنده باد وحدت بزرگ خلق و غیره) مانند دیگر گروهها نمی نویسید که این خیلی موثر است .
- ۳ - مقاله (توسعه صنایع آهن و فولاد ...) رنجبر ۲۲ برای یک کارگر و غیر روشنفکران کمی گنگ و مطالب آن منظم نبود .
- ۴ - بعضی از علاقمندان به هفته نامه رنجبر در مورد اینکه چرا بعضی اوقات اتفاقی که در مبین ما می افتد اول امام یا دولت آن را محکوم می کند بعد شما در رنجبر می نویسید و یا مثلا در مورد جلال طالبانی بعد از اینکه یک بار مصاحبه او را گذاشتید و چون دولت طالبانی را محکوم نمود شما دیگر آنرا ادامه ندادید و علت ادامه ندادن را ننوشتید .

موفق باشید

۵۸/۶/۴

اهواز - عزیز

- دوست گرامی " عزیز " : چنانکه می بینی سری مقالات " استعمار " را ادامه داده ایم . علت عدم انتشار آن در چند شماره گذشته ، تراکم مطالب سیاسی کشور و کمبود جا بود .

سعی خواهیم کرد که زبان " رنجبر " ساده تر شود . علت عدم انتشار مصاحبه طالبانی در شماره ۲۳ هم حساسیت مطلب با توجه به اوضاع روز بود ، چنانکه می دانی بقیه این مصاحبه در هفته بعد چاپ شد .

در مورد مسئله موضع گیریها همانطور که می دانی ما نشریه ای هفتگی هستیم و لذا در عرض هفته امام موضع گیریهایی می کنند که ما مجبوریم تا هفته بعد برای اظهار نظر خود صبر کنیم .

در مورد شعار " نه آمریکا ، نه روسیه ... " نیز مشورت خواهیم کرد و در صورت توافق عده بیشتری آنرا خواهیم آورد .

- با تشکر از نامهات و امید موفقیت

یکی از خوانندگان با امضای ن - ب از بندر عباس نامه ای در مورد وضع جزیره قسم و خواستهای مردم آنجا برایمان فرستاده است :

" نگاهی به جزیره قسم "

قسم یکی از جزایر ایران و یکی از شهرستانهای استان هرمزگان است و هم بزرگترین جزیره ایران می باشد .

در زمان رژیم خائن گذشته بر طرف کردن نیازهای مردم این جزیره هیچگاه از مرحله حرف به مرحله اجرا در نیامد و هیچوقت از امکانات رفاهی ، بهداشتی و آموزشی نصیبی نداشته . اکنون که انقلاب ایران با مبارزات قهرمانانه مردم ایران در عرصه گیتی به ثبوت رسیده بر طرف نکردن این کمبودها و نیازها باعث از بین رفتن هر چه بیشتر ماهیگیری و کشاورزی و نیروی عظیم کار مردم در این جزیره می باشد . خصوصا اینکه اکثریت مردم جزایر لارک و هنگام به علت نبودن آب آشامیدنی وسایر احتیاجات اولیه به آن سوی خلیج مهاجرت کرده اند .

- تامین آب آشامیدنی بوسیله حفر چاههای جدید و استفاده از سد خاکی در مناطقی که قدیم مورد استفاده بوده اند (لیت و خالصی) .

- تامین برق برای دهاتی که تا حدود ۲۰۰ نفر خانوار جمعیت دارند .

- درمانگاه مرکز شهرستان قسم و درگهان ، طبیل و سوزا هر کدام با یک پزشک و داروی محدود اداره می شوند در صورتی که اگر کسی بیمار شود مجبور است برای مداوا به بندر عباس و بندر لنگه برود و حتی بیمارستان و زایشگاه مورد لزوم است که اصلا وجود ندارند .

- کمک به ماهیگیران و کشاورزان برای خود کفائی آن جزیره ، لازم به تذکر است که عمده مناطق کشاورزی جزیره دهات رمان ، توریان و زندیان است که اکثر کشاورزی دیم می باشد .

- تأسیس دانشسرای مقدماتی و مدرسه راهنمایی تحصیلی شبانه روزی برای جذب محصلان مستعد که ضرورت کامل دارد .

- ایجاد اسکله و موج شکن .

- ایجاد سرویس حمل و نقل بار و مسافر بین بندر عباس و قسم با کمک اداراتی که دارای کشتیهای کوچک و لنج هستند که چندان مورد استفاده شان قرار نمی گیرد .

- ادامه آسفالت سر تا سری جزیره تا بندر با سعید و راههای فرعی بین دهات .

- ایجاد نمک تنه حمل و نقل نمک



خوانندهای از جیرفت طی نامه ای با عنوان " ما خواهان دستگیری ساواکیهای شهرستان جیرفت هستیم " ، می نویسند :

۱ - داریوش امیر تیموری که سالهای سال در اداره اطلاعات و امنیت جبهه می رژیم فاسد شاه در دفتر نصیری معدوم ، کار می کرده و شغل کیف شکنجه گری داشته و چند مرتبه لکهای خون بر روی ماشینهای استفاده می کرده دیده اند و شایع است که موفق شده پرونده اش را از بایگانی ساواک دزدیده و آن را از بین ببرد . دزخیمی است که حتی بردارش که مسئول ساواک در قصر شیرین و بعد در سراوان بوده به نزدیگانش توصیه می کرده که جلوی داریوش چیزی نگویند که باعث گرفتاری شان خواهد شد و موقع گفتن اسم شاه بلند می شده و احترام نظامی می داده است و این اواخر دانشجوی دانشگاه تهران هم بوده است .

۲ - منوچهر امیر تیموری برادر داریوش است که او هم سالهای سال در اداره ساواک قصر شیرین که در دستگیری مبارزین منطقه که از سالهای ۴۹ - ۴۸ بر علیه رژیم شاه خائن مبارزه می کرده اند دست داشته و این اواخر مسئول اداره ساواک در سراوان بوده است . هم اکنون این دو برادر در منطقه کوههای جبال بارز استان کرمان که در نزدیکی بخش ساردونید واقع شده آزادانه می گردند . جندی پیش وسایل زندگی شان را هم به این منطقه آورده بودند و در ساردونید دیده شده بودند .

" رفقای عزیز

دریافت رنجبر و مشاهده دید صحیح آن ، در رابطه با رویدادهای ایران ، در این نقطه دور از وطن ، بسی نوید بخش است . بنظر من هم ، سازندگی کشور امپریالیست دریده ایران در دست نیروی روشنفکر و در حمایت او از طبقه کارگر و دهقان است . عدالت اجتماعی میسر نخواهد بود مگر آن که وجود سرطانی امپریالیسم و نفوذ بورژوازی کنونی قطع شود . بیروزی مبارزه مارکسیستی - لنینیستی را بر علیه ایشان خواهیم .

با ارسال بخشی از دسترس خود ، احقاقی این پیروزی در طریق نشر روزنامه ، رنجبر را تقویت میکنم .

موفق و پیروز باشید
ناد. تماک

گزارشی از فروش «رنجبر» و ...

مادر من ۵۵ سال از عمرش میگذرد . یک شب او بمن گفت شما قبلا " مبارزه می کردید که رژیم را سرنگون کنید حال برای چه ؟ شما که از خمینی پشتیبانی می کنید . به او گفتم مادر مبارزه از روزی که انسان بوجود آمده ، بوده و تا هزاران سال باز مبارزه است .

دو شب بعد من او را دیدم و به او گفتم مادر ما بدنبال رفیق می گردیم و تو در گوشه خانه هستی (یار در خانه و ما گرد جهان می گردیم) گفت می دانی من از کار شما دیگر ناراحت نیستم ولی این دخترها را نفرست برای فروش رنجبر فامیلها آنها را می بینند خوب نیست به او گفتم مادر ما دارای یک فکر هستیم و این فکر مال طبقه کارگر است خوب است ما اگر این فکر را فقط توی خانه بگوئیم و با کسانی که برخورد می کنیم بگوئیم خوب این خیلی خوب است ولی بگوش همه نمی رسد و این فکر ما که زندگی ما است در همین رنجبر هم آمده فکر ما یعنی رنجبر ما خوب ما اگر این رنجبر را ببریم و بدهیم به دکه روزنامه فروشی از اول هفته ممکن است ۵ - ۶ دانه بفروشد ولی ما برای آنکه رنجبرمان را جا بیندازیم باید اقدام کرد و این بهترین راه است که خودمان اقدام کرده ایم خوب در این ره گذر بما فحش خواهند داد کتسک خواهند زد و حتی مادر ما رو به زندان خواهند برد ولی ما آگاهانه می دانیم برای

چه این کار را می کنیم و باید همه ما از خود گذشتگی داشته باشیم . خوب مادر حالا تعریف کن از لحظه ای که شروع به فروختن رنجبر کردی .

مادر شروع کرد به گفتن : اول رویم نمی شد ولی شروع کردم به فروختن خیلی خوب از من می خریدن و مادر جان بمن می گفتند و خیلی خوشحال بودم و ده دانه فروخته بودم که یک پسر ریشو گیرم افتاد او از من چهار دانه خرید و رفت و بعد چند لحظه باز آمد و گفت مادر تو این کار را نکن مگر تو نماز نمی خوانی به او گفتم تو از کجا می دانی که من نماز نمی خوانم بمن گفت این روزنامه کمونیستی است گفتم کمونیستی باشد مگر چه مانعی دارد . این روزنامه از امام خمینی پشتیبانی می کند . گفت اینها دروغ می گویند گفت مادر بیا من تو را ببرم پیش آقای عالمی - مدنی و از آنها برایت پول بگیرم گفتم مگر من برای پول اینها می فروشم و آخر دیدم دست از سرم بر نمی دارد به او گفتم تو اصلا " چه می گویی ؟ گفت می خواهم تو را ببرم کمیته گفتم یا الله برویم کمیته با او حرکت کردم ولی چند قدمی که رفتم گفت

" امروز غروب طبق رهمود سازمان شروع کردم به فروختن رنجبر . رفتم خیابان بوعلی و رنجبر را گذاشتم کنار خیابان . یک نفر آمد نگاهی به رنجبر کرد و رفت بعد ربع ساعت با دو نفر از مأمورین کمیته آمد و تمام رنجبرها را جمع کردن و مرا با خود بردن به کمیته . در بین راه همان مردی که رفته بود مأمور آورد بمن گفت جقدر بشما پول می دهند که این کار را می کنید . گفتم من برای پول این کار را نمی کنم من برای استقلال وطنم رنجبر می فروشم گفت چرا روزنامه های اسلامی نمی فروشید گفتم من این را می فروشم چون در خدمت انقلاب است .

رسیدیم کمیته و در کمیته خیلی شلوغ بود و یک نفر گران فروش را آورده بودن و او قسم می خورد که من پارچه گران فروخته ام بعد نیم ساعت مسئول کمیته گفت تو اینها را از کجا میاوری گفتم این نشریه از طهران برای من میاید گفت این ممنوع است گفتم آقا این ممنوع نیست آن نشریه ممنوع است که در خدمت انقلاب ما نباشد و در همان لحظه یک نشریه فروش (دکه نمایندگی روزنامه) را آوردن و مأمورین با خودشان ۲۰ عدد طهران تصور آورده بودن مأمور کمیته از من سوال کرد این ممنوع است گفتم آره بخوان ببین جقدر به انقلاب ما حمله کرده مأمور کمیته گفت همین حالا برای آقای عالمی تلفن می زنیم و وضع تو را روشن می کنیم من منتظر شدم و هیچ کس با من کاری نداشت و هیچ بی احترامی نکردن و خیلی از آنها را من می شناختم چون باهم در زمان انقلاب توی تظاهرات بودیم و یکی از آنها با من سلام علیک کرد و گفت تو را من کجا دیدم گفتم برادریادت می آید زمان انقلاب یکی از روزها من و تو مأمور انتظامات راهپیمایان بودیم گفت آره یادم آمد . چرا تو را آورده اند گفتم مرا برای رنجبر آورده اند او رفت مأمور کمیته به هر جا تلفن زد (کیهان - اطلاعات - دفتر روزنامه انقلاب اسلامی - و برای آقای عالمی) و همه اینها گفتن ممنوع است جز آقای عالمی که گفته بود . من نمی شناسم روزنامه رنجبر را . بعد نیم ساعت یکی از مأمورین بمن گفت تو باید یک نفر ضمانت بدهید و بروید . تا فردا من یک نفر را ضمانت دادم و رفتم و فردا از طهران یک نامه برایم آمد (رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تهران) و او را بردم فتوکپی کردم و دو عدد از آن را بردم کمیته و سلام و علیک کردم و آن نامه ها را گذاشتم سر میز و آنها آنرا خواندن و قبول کردند و رفتن ۲۶ عدد رنجبر مرا آوردن و دادن و آن دو برگ را زدن زیر شیشه میز کمیته و دفتر دار کمیته یک جوان خیلی خوب بود و او یک

— با تشکر از ناممات و امید موفقیت در زندگی و مبارزه .

● جشن پیروزی... ●

در آغاز دکتر علی صادقی عضو دفتر سیاسی سازمان انقلابی گزارشی کوتاه درباره کنفرانس و تصمیمات آن به حاضرین داد و طی آن یاد آور شد کنفرانس چهارم سازمان از یکسویا دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی کنونی به رهبری امام خمینی روی لزوم تحقق اتحاد بزرگ ملی برای ادامه انقلاب و برای قطع نفوذ کامل امپریالیسم به ویژه دو ابر قدرت امریکا و روسیه تاکید کرد و از سوی دیگر درست به خاطر عمق بخشیدن به انقلاب کنونی و تحقق سه اصل خلق استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی بروی لزوم ایجاد هر چه زودتر حزب کمونیست واقعی ایران یا فشاری کرد . دکتر علی صادقی طی سخنان خود یاد آور شد تجارب پانزده ساله سازمان که جمع بندی شده و در کنفرانس مورد بررسی قرار گرفت

بندر با سعید و راههای فرعی بین دهات .
— ایجاد پمپ بنزین و حمل بنزین و مواد سوختی بطور مرتب و دائم .

تاکید می کند که کمونیستهای واقعی ایرانی باید با جنبش بزرگ اسلام مبارزوملی گرائی مترقی متحد شوند و از آنها یک جریان یکپارچه و عظیمی برای ادامه انقلاب بوجود آورند . در پایان او تاکید کرد :

" من از همه دوستان و رفقای که در اینجا شرکت کرده اند درخواست می کنم به این ندای وحدت طلبانه سازمان انقلابی جواب مثبت بدهند و هرگز نگذارند ، در این صفوف متمرکزی که در درون خلق ما بوجود آمده است که با یک ندا میلیونها نفر به کوچه و خیابانها می ریزند ، این صفوف از هم پاشیده نشود و خلق ما بتواند قاطعانه و مصممانه این انقلاب را که قدم های اولیه را در جهت استقلال و آزادی و رفاه اجتماعی بر می دارد ، این قدمها را مطمئن تر و سا

استحکام بیشتری به پیش برد . " پس از سخنرانی که با کف زدنهای ممتد حاضرین مورد تأیید قرار گرفته بود دسته کر سرود پر شوری را اجرا نمود . سپس

نظام طبقاتی کنونی و رهبری سرمایه داری ملی بر آن ، در صورت در پیش گرفتن سیاستهای درست و ملی از سوی دولت ، در آتیه به سوی یک نظام سرمایه داری ملی حرکت خواهد کرد در آینده ی قوری آن نه سرمایه داری وابسته است و نه سوسیالیسم . سه بخش اقتصاد دولتی ، خصوصی ملی و تعاونی مردم ، بخشهای اساسی اقتصاد را تشکیل می دهند و دو رکن اساسی سیاست اقتصادی کشور ، باید کسب استقلال اقتصادی و خود کفائی و رفاه خلق به ویژه زحمتکشان باشد .

اقتصاد دولتی باید ابزار تولید اساسی و استراتژیک را که جریانهای اساسی زندگی اقتصادی کشوراند (مانند صنایع مادر ، نفت ، معادن و ...) را در اختیار داشته باشد ، اما از سوی دیگر باید دوتغییر اساسی در نقش اقتصاد دولتی داده شود :

۱ - قطع وابستگی به امپریالیسم . ۲ - کم کردن بار آن بر اقتصاد کشور و تنزل نقش آن .

با توجه به اینکه تا کنون سرمایه داری دولتی نقش ابزار اساسی نفوذ و حاکمیت امپریالیسم بر میهن ما بوده است و هنوز

رنجبر را تقویت میکنم . " موفق و پیروز باشید نادر تمسای سکر منتو - آمریکا

قطعه شعری توسط هنرمندی جوان دکلمه کردید و آنگاه از طرف سازمان جوانان بخش خوزستان سرودی اجرا شد .

سازمان جوانان بخش فارس نیز قاب عکس بسیار زیبایی از رفیق شهید پرویز واعظ زاده مرجانی به جشن کنفرانس هدیه نمود که با شور و شوق شرکت کنندگان روبرو شد و همه یکپارچه شعار " زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق " سالن جشن را به یکپارچه شور انقلابی تبدیل نمودند . آنگاه سرود دیگری توسط دسته کر اجرا شد و در آخر هنرمندان سازمان جوانان انقلابی بخش تهران نتاثر زیبا و پر محتوایی را بنمایش گذاردند . در طول جشن بارها شعارهایی مانند " نه امریکا ، نه روسیه ، ایران مال ایرانیه " و " همه مشت ها علیه ابر قدرتها ، روسیه و امریکا " ، در فضای سالن طنین افکنده بود ، که نشانه پشتیبانی پر شور شرکت کنندگان از شعارهای به حق و راستین سازمان انقلابی در امر استقلال ایران می باشد .

سرمایه داری دولتی به سرمایه امپریالیستی وابستگی دارد ، گام اول بریدن این وابستگی است ، از طرف دیگر سرمایه داری دولتی وابسته قبلی همانند کوهی بود که بر شانه ی اقتصاد ضعیف خصوصی ملی سنگینی میکرد و چون زائلی آن را می مکید ، در شرایط نوین کنونی سرمایه داری دولتی باید در خدمت پاسداری از استقلال ملی ، رشد سرمایه خصوصی ملی و رشد تولید تعاونی زحمتکشان قرار گیرد و با هر گونه گرایش انحصارگری در سرمایه دولتی باید مبارزه شود .

در مورد مالکیت ، در شرایط کنونی و با توجه به احتیاج کشور به رشد تولید سرمایه ملی ، باید مالکیت سرمایه خصوصی ملی محترم شمرده شود و نه برای آن محدودیت بیش از حد فراهم گشته و نه به آن احار دهند . بیش از حد و تبدیل شدن به سرمایه انحصارگر بزرگ داده شود .

در این مورد قافیه باقی " جب " فتنه می کند که باید مورد انتقاد قرار گیرد . قافیه باقیان " جب " حجلات زیبایی چون مالکیت تا حد مالکیت بر کار " و " نبودی استثمار " می یابند اما به واقعیت جامعه ی سرمایه داری کنونی توجه ندارند . آنها خود

۲۶ عدد رنجبر مرا آوردن و دادن و آن دو برگ را زدن زیر شیشه میز کمیته و دفتر دار کمیته یک جوان خیلی خوبی بود و او یک رنجبر ۲۳ از من خرید و پولش را داد و من به او گفتم برادر هر وقت که رنجبر بیاید برایت میآورم . و آن تصدی که داده بودم گفتم من یک تعهد دادم آن را بدهید آنها گشتند نبود یعنی کلید میز را یکی با خودش برده بود و آن جوان گفت تو مرا قبول دارید من آن را پاره می کنم گفتم من تو را قبول نداشته باشم پس کی را قبول داشته باشم از او خداحافظی کردم و آمدم بیرون و از آن روز به بعد به راحتی رنجبر را می فروشم بدون آنکه کسی با ما کاری داشته باشد . چپ نماها می آیند و نگاهی به رنجبر می کنند و غر می زنند و می روند . " مادر رنجبر می فروشد

* " امروز مادرم ۴۰ تا رنجبر از خانه بر می دارد و می رود بازار و از این ۴۰ تا ۲۵ عدد را می فروشد و ۱۵ تومان به او زیادی داده بودند .

سرمایه داران کوچک اند که برای ایجاد فضای رشد برای خود ، تحت این الفاظ فریبده به سرمایه ی بزرگ حمله می کنند که خود نوعی عوام فریبی است چه نابودی استثمار مشروط به سرنگونی نظام و استثمار سرمایه داری در یک انقلاب سوسیالیستی به رهبری طبقه کارگر و حزب آن است . خرده سرمایه داران ما با قافیه باقی " جب " تلاش می کنند تا کارگران و دیگر زحمتکشان را به صورت متحدی برای خود در دعوای خانوادگی شان با سرمایه داری بزرگ ، در آورند .

قافیه باقی " جب " تحت عنوان ساختن نظام " جامعه ی بی طبقه نیز از همین نوع و با همین خاستگاه طبقاتی است . قافیه باقیان باید به واقعیات احترام بگذارند . منافع عمومی را در نظر گیرند و عوام فریبی نکنند . واقعیت این است که نظام اقتصادی کشور ما در آتیه نزدیک دوره رهبری دارد . سرمایه داری وابسته با سرمایه داری ملی ، نظام واقعا " بی طبقه نظام کمونیستی است که پس از سرنگونی سرمایه داری و طی یک دوران طولانی ساختمان سوسیالیسم و انقلابات

تورا ببرم کمیته گفتم یا الله برویم کمیته با او حرکت کردم ولی چند قدمی که رفتم گفتم برو بابا حرف توی سرت نمیرود . گفتم حرف توی سرت نمی ره و باز گفتم این کمونیستی است و ممنوع . گفتم ممنوع نیست حال مردم باز جمع شده بودن و من دستم می لرزید و دست کردم توی جیبم و نامه را در آوردم (نامه مال دادستان انقلاب اسلامی تهران) و به او نشان دادم . و او آن را خواند و گفت اینکه امضاء ندارد گفتم من دیگر نمی دانم امضاء ندارد یا دارد . از دست او آزاد شدم و شروع به فروختن کردم و تقریبا " ۱۲ دانه باز فروختم و رسیدم در یک دکان گفتم رنجبر مرد دکان دار یک نگاهی بمن کرد که تابحال اینجوری ندیده بودم و با صدای بلند گفت مادر خجالت نمی کشید گفتم پدرت خجالت بکشد و خیلی زود از در دکان او آمدم و رسیدم در یک گاراژ و در این میان مرتب از من رنجبر می خریدن و من دیگر خسته شدم و آمدم خانه و ۲۵ عدد فروختم . و می خواهم به شما و رنجبر خدمت کنم . "

سوسیالیستی به رهبری طبقه کارگر در آن جامعه بوجود می آید و نه تنها امری مربوط به آینده فوری نیست بلکه رسیدن به آن از چندین صد سال آتی نیز فراتر می رود . به جای این قافیه باقی های " جب " باید حلوی یا را نگاه کرد و با نفوذ امپریالیسم استثمار و ستم نفوذالی مبارزه کرد ، سرمایه ملی را رشد داد ، اقتصاد تعاونی زحمتکشان را تقویت کرد و در این راه متحد با دیگر اقشار خلقی ثابت قدم بود و افکار روشن داشت .

ساختمان یک اقتصاد مستقل و متکی به خود و در خدمت رفاه خلق مسئله ای سیاسی و جزئی از امر ادامه ی انقلاب است و سیاست عمومی آن نیز تابع سیاست عمومی ادامه انقلاب ، یعنی اتحاد بزرگ ملی علیه امپریالیسم به ویژه دو ابر قدرت امریکا و روس ، به خاطر ترقی کشور و رفاه خلق است ، بنابراین طبقات مختلف خلق باید بر اساس منافع مشترک ضد امپریالیستی متحد شوند ، منافع متقابل یکدیگر را محترم بدانند و برای ساختن ایرانی آباد و پیشرو کوشش نمایند .

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید
بانک ملی ایران تهران - شعبه خیابان ایرانشهر شماره حساب ۴۵۳۶۸

یک پیروزی برای خلق کامبوج

خبرگزاریها اعلام کردند که در روز چهارمین جلسه مجمع عمومی خودپس از چهار روز بحث و گفتگو پیرامون اخراج نمایندگان واقعی خلق قهرمان کامبوج از جلسات مجمع عمومی و برسمیت شناختن رژیم دست‌نشانده هنگ سامرین، اولین تصمیم سیاسی خود را گرفته و نمایندگان دولت جمهوری دموکراتیک خلق کامبوج تحت رهبری پول پت را همچنان نماینده واقعی خلق و کشور کامبوج دانست.

پیشنهاد برسمیت شناختن نمایندگان دولت غاصب هنگ سامرین از طرف ابرقدرت شوروی و ویتنام متجاوز به مجمع عمومی داده شده بود که با اکثریت قاطع کشورهای جهان سوم رد گردید.

سوسیال امپریالیستهای روس که در سال گذشته برای سیطره جوتی و بزرگ سلطه کشیدن منطقه هندوچین توسط دولت متجاوز ویتنام دست به حمله و کشتار بیرحمانه خلق قهرمان کامبوج زدند، سعی نمودند تا در ششمین کنفرانس کشورهای غیر متعهد در هاوانا، دولت دست‌نشانده هنگ سامرین را به کشورهای جهان سوم تحویل نمایند که با مقاومت این کشورها روبرو گشت. این شکست مفتضح شوروی در مجمع عمومی سازمان ملل باردیگر نشان داد که توطئه ابر قدرتها علیه ملل مستعده با هوشیاری این ملل و کشورهای غیر متعهد جهان، خنثی میشود.

این واقعه، ننگ و شکست برای ابرقدرت روس و پیروزی برای خلق قهرمان و دولت انقلابی جمهوری دموکراتیک خلق کامبوج می باشد.

گزارشی سیاسی...

رابطه است با رشد ناموزون کشورهای امپریالیستی و دیگری در رابطه با قانونمندی رشد کشورهای مستعده از این دو تغییر اساسی اولی مربوط به تغییر دشمنان انقلاب جهانی و دومی مربوط به نیروهای خودی و دوستان آن میباشد.

رشد ناموزون کشورهای امپریالیستی: اثر لنین بنام "امپریالیسم پمپانه بالاترین مرحله سرمایه‌داری"، قبل از انقلاب اکتبر پرشته تحریر در آمد، در آن زمان لنین کشورهای بزرگ امپریالیستی را به ترتیب انگلیس، روسیه، فرانسه، آلمان، ایالات متحده آمریکا و ژاپن نام برد. در فاصله کوتاهی با پیروزی انقلاب اکتبر روسیه از جرگه کشورهای امپریالیستی خارج شد و بیک کشور سوسیالیستی تبدیل گردید. در عین حال در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم آلمان و ژاپن رشد قابل ملاحظه‌ای کرده و به رقابت با امپریالیستهای استعمارگر انگلیس و فرانسه پرداخته و ایالات متحده نیز به امپریالیسم متفوق در جهان تبدیل شد.

بعد از جنگ جهانی دوم و غصب قدرت سیاسی توسط دارودسته‌ی خروش‌جف - برزنف در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سالهای ۱۹۵۰ میلیم که در این مدت دو قدرت بزرگ بوجود آمده‌اند که با هم در جدال دائمی و رقابت وحشتناکی برای کسب سرکردگی در جهان میباشند. آنها بنا بر ماهیت امپریالیستی خود، در ادامه سیاست جهان گشائی و توسعه‌ی نفوذ در ادامه‌ی سیاست سر کرده گزائی، بطور اجتناب ناپذیری به اسلحه دست خواهند برد و جنگ امپریالیستی دیگری را بر پا خواهند ساخت.

لنین گفت "امپریالیسم یعنی جنگ". جنگ اول و دوم جهانی را امپریالیستها بر پا کردند و هم اکنون دوا بر قدرت تدارک جنگ دیگری را میبینند این مستقل از اراده‌ی افسراد می باشد.

امپریالیستهای دیگر نظیر انگلیس، فرانسه، آلمان و ژاپن که لنین از آنها بعنوان دول معظم امپریالیستی نام میرد، چه سیر تکاملی را طی کردند؟ آنها امروز دیگر رفیان همطراز این دو ابر قدرت که به بزرگترین استثمارگران و مستغران جهان تبدیل شده‌اند، نیستند. آنها به قدرتهای درجه دوم و حتی برخی کمتر از درجه دوم تبدیل گردیده‌اند. در مناسبات آنها با دوا بر قدرت تغییراتی بوجود آمده است بطوریکه از یکسو با آنها بر سر غارت خلقها و ملل مستعده جهان در تضاد و از سوی دیگر از طرف ابر قدرتها تحت تضییق و کنترل قرار گرفته‌اند. تضاد آنها با این دوا بر قدرت در نتیجه خصلت دوگانه یافته است. پرولتاریای جهانی باید از یکسو با جنبه‌ی غارتگری و استعماری آنها

استقلال، آزادی و انقلاب کشورها، ملل و خلقهای جهان تبدیل نموده است. اینک به ضربه‌ی اصلی جنبه واحد جهانی باید روی این ابر قدرت تمرکز یابد از همین جا ناشی میشود. اینست اولین تغییر اساسی در سطح جهانی پس از مرگ لنین.

۲- بیداری خلقها و ملل مستعده: دومین تغییر اساسی بیداری خلقها و ملل مستعده آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین، کسب پیروزی‌های بزرگ این خلقها در جریان طولانی جنگهای آزادیبخش ملی و انقلابی و تبدیل شدن آنها بیک قدرت سیاسی است که می رود تا در سرنوشت بشریت کنونی نقش تعیین کننده‌ای را ایفاء نماید. رفیق ماوتسه دون در سال ۱۹۶۶ گفت: "توفان انقلابی در آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین مطمئناً بنام جهان کهنه ضربه‌ی تعیین کننده و مهلک را وارد خواهد ساخت". بدین ترتیب آموزگار بزرگ پرولتاریا در ادامه‌ی آموزشهای لنین و استالین که نقش بزرگی به خلقهای مستعده در انقلاب جهانی قائل بودند، نقش استراتژیک این خلقها را تا سطح تعیین کننده بودن در ضربه زدن به جهان کهنه رسانید. از آن زمان تا بحال بیش از ده سال میگذرد و هر روز که میگذرد مردم سراسر جهان به این پیش بینی داهیان ماوتسه دون بیشتر پی میبرند. آنچه امروز بنام دنیای سوم شناخته شده، اساساً همان آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است که خلقهای آن از لحاظ تاریخی دارای سرنوشت مشترکی بوده و از لحاظ رشد و تکامل اقتصادی با اینکه نظام‌های گوناگون اجتماعی دارند، کشورهای در حال رشد میباشند. خلقهای این کشورها هنوز به شکل گوناگون... مورد تهدید، تجاوز و کنترل امپریالیستها بویژه دوا بر قدرت قرار داشته و توسط آنها مورد استثمار و ستم قرار میگیرند. با اینکه بعضی از سرزمینهای جهان سوم هنوز مستعمره یا نیمه مستعمره هستند ولی جریان کلی را کشورهای تشکیل میدهند که بطور ناموزون به استقلال سیاسی دست یافته و برای تحکیم آن دست به مبارزه برای استقلال اقتصادی میزنند. نظام اجتماعی آنها عمدتاً دو گونه است، سوسیالیستی یا سرمایه داری که اولی را پرولتاریا و دومی را عمدتاً "بورژوازی ملی رهبری میکند. چین سوسیالیستی با ۹۰ میلیون جمعیت تحت رهبری حزب کمونیست چین و دیگر کشورهای واقعا سوسیالیستی جزو جهان سوم بوده و ستون فقرات آنرا تشکیل میدهند.

بدین ترتیب با اینکه دوران هنوز تغییر نکرده است و دوران همان دوران امپریالیسم و انقلابات پرولتاری است اما سیماي کونی جهان را حدت دو تضاد اساسی از چهار تضاد یعنی تضاد میان خلقها و ملل مستعده جهان از یکسو و امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت از سوی دیگر و تضاد میان امپریالیستها بویژه میان دوا بر

کره شمالی تجاوز امپریالیسم آمریکا

طبق گزارش رادیو جمهوری دموکراتیک خلق کره (بیونگ یانگ) در تاریخ ۵۸/۶/۳۰ یک هواپیمای "اس-۲۲" آمریکائی جهت فعالیتهای جاسوسی بر فراز این کشور به پروازهای شناسائی در ارتفاع بالا دست زده و بنا به گزارش این رادیو، این هفتمین پرواز شناسائی است که بطور مخفیانه در ماه سپتامبر صورت گرفته است.

در گذشته نیز بارها این عمل تجاوزکارانه

توسط ابر قدرت آمریکا از راه زمین، دریا و هوا علیه تمامیت ارضی جمهوری دموکراتیک خلق کره انجام گرفته بود که با عکس العمل شدید دولت این کشور مواجه شده و در سطح بین المللی افشاء گردیده بود.

پرواز جاسوسی اخیر نیز بخشی از برنامه‌های امپریالیسم آمریکا برای تدارک جنگی جدید علیه این کشور مستقل میباشد که مطمئناً "با شکست روبرو خواهد شد.

شوروی...

برای ادامه اندازه امور یک شرکت مالکیت بر ۴۰ درصد از سهام آن کافی است. (امپریالیسم... مجموعه آثار و مقالات صفحه ۴۰۸)

این بانکها در حقیقت ابزار تسبنا جدیدی برای کنترل اقتصاد کشور های تحت سلطه شوروی هستند. با بکار انداختن سرمایه‌ای که بیش از ۴۰ درصد سرمایه بانکهای مختلط را تشکیل نمی دهد سرمایه‌های برابر سرمایه خود را کنترل می کنند هر کدام از بخشهای این سرمایه بنوبه خود بخشی از اقتصاد کشور تحت سلطه را در اختیار گرفته و باین طریق چپاول کشور تحت نفوذ امپریالیسم شوروی را امکان پذیر می سازد.

بانکهای شوروی تحت عنوان "کمک" های اقتصادی و در بعضی موارد زیر پرچم دروغین انترناسیونالیسم پرولتاری به دادن وام و اعتبار به بسیاری از کشورهای جهان پرداخته‌اند بهره این وامها البته نسبتاً کم و در اکثر موارد در حدود ۵/۵ درصد است. باین طریق سوسیال - امپریالیستهای شوروی می‌کوشند تا با تظاهر به اینکه از سرمایه‌های صادراتی خود سود کمی دریافت می‌کنند ماهیت امپریالیستی این کار خود را مخفی کنند. اما واقعیات غیر از این است. لنین در کتاب "امپریالیسم..." به روشنی توضیح می‌دهد که از جمله خصوصیات امپریالیسم این است که امپریالیستها " هنگام دادن وام شرط می‌کنند قسمت مهمی از آن به مصرف خرید محصولات برسد که در کشور اعتبار دهنده تولید می‌شود" و در نتیجه: " صدور سرمایه وسیله صدور کالا می‌شود (لنین - مجموعه آثار و مقالات صفحه ۴۱۵) سوسیال امپریالیستهای شوروی هنگامی به کشوری وام و یا اعتبار می‌دهند از جمله شرایط اساسی که برای این وام ها تعیین می‌کنند این است که

حرص و ولع خرس قطبی برای بلعیدن میهن ما دوچندان گشته و بهمین دلیل رقابت دو ابر قدرت در منطقه خاورمیانه شدت بیشتری یافته است.

ناشی از ارزیابی غیر واقعی از تغییرات جهانی در کشور ما هم اکنون دو جریان فکری انحرافی دیده میشود. یکی جریان رویزیونیستی است که نه تنها ابر قدرت شدن سوسیال - امپریالیسم شوروی را قبول ندارد بلکه بطور فعال برای بسط و توسعه نفوذ این امپریالیسم مهاجم و سرکرده‌گرا تلاش و تقلا مینماید. جریان دیگر "چپ" افراطی است که نقش نیروهای میانه بویژه بورژوازی ملی را در کشورهای جهان سوم منفی ارزیابی نموده، تمام دستاوردهای مردم آن کشورها را در سالهای پس از جنگ جهانی دوم که در آنها بورژوازی ملی نقش مترقی ایفاء نموده و در بخشی حتی رهبری مبارزات ضد امپریالیستی را در دست داشته است نفی کرده و بدین ترتیب یک تصویر منفی از جهان سوم مبارزه آن علیه امپریالیسم میدهد. این جریان در سطح کشوری هم نقش بورژوازی ملی را در جریان مبارزه ضد امپریالیستی کشور ما نفی میکند و امروزه تحت عنوان "بورژوازی لیبرال" و وابسته به آن حمله ور شده و روش مبارزه فقط مبارزه را با آن مجاز میشمرد. اما بعقل تاریخی و اوضاع جهان و ایران تکامل سرمایه داری در ایران و از جمله سرمایه داری ملی پس از جنگ جهانی دوم بخصوص در دهه‌ی اخیر سرعت پیش رفته است. در برخورد به این مساله پس از بررسی‌های یکجانبه‌ی برخی از نیروهای "چپ" در سالهای ۱۳۴۹-۱۳۵۰ رفقای شهید ما تحت هدایت پرویز واعظزاده مرجانی بموقع دست به تحقیق و بررسی درباره اوضاع تغییر یافته پرداخته و نتیجه تحقیق و بررسی خود را در سال ۵۳ بعنوان یک گزارش سیاسی تدوین نمودند (این نظرات در اختیار تمام رفقای سازمانی قرار گرفت و بعداً بصورت توده ۲۴ در بیرون سازمان انتشار یافت). که در آن به رشد سرمایه داری (بویژه سرمایه داری وابسته خصوصی و دولتی) انگشت گذاشته شده است بدون اینکه وجود بورژوازی ملی و رشد آن نفی شود.

رژیم سابق و طبقات مدافع آن بویژه سرمایه داری بزرگ وابسته و بوروکراتیک از طریق اصلاحات نیم بند خود شرایط را برای تکامل سریعتر و بیشتر سرمایه داری وابسته در ایران فراهم ساختند. امروز ما این تغییر بزرگ را در جامعه بخوبی میبینیم. این تغییر مهم و اساسی در وضع جامعه ایران نتایج مهمی را ببار آورده است که بزرگترین و موثرترین آن آزاد کردن نیروهای مولده بویژه نیروهای ضد فئودالی و در میان آنها رشد کمی و کیفی طبقه کارگر ایران است. این تحولات و تغییرات همچنین تاثیرات عمیق خویش را در تشدید مبارزه طبقاتی بجای نهاده و همچنان بجای خواهد گذاشت. آغاز

تولید می شود " و در نتیجه " صدور سرمایه وسیله صدور کالا می شود (لنین - مجموعه آثار و مقالات صفحه ۴۱۵) سوسیال امپریالیستهای شوروی هنگامی به کشوری وام و یا اعتبار می دهند از جمله شرایط اساسی که برای این وام ها تعیین می کنند این است که بخش بزرگی از آن صرف خرید کالاهای ساخت شوروی بشود. آن وقت با اضافه کردن بهای کالاهای خود و فروش آنها مبلغی خیلی بیشتر از نرخهای معمول در بازار جهانی کمی بهره وامها را جبران می کنند و سودهای کلانی را که لازمه صدور سرمایه امپریالیستی است به چنگ می آورند (برای جزئیات بیشتر رجوع شود به " رنجبر " شماره ۹) باین طریق با نگاه داشتن ماسک سوسیالیستی ، چپاولگری امپریالیستی خود را بنحو احسن به انجام می رسانند .

فقط پس از درک این موضوع است که معلوم می شود چرا امپریالیسم شوروی در حالی که دارای ذخائر وسیع گاز طبیعی در سرزمین سیبری است دست به استخراج آنها نمی زند و به جای آن به خرید گاز ایران می پردازد . و یا اینکه مثلا " چرا کارخانه های متعددی در هندوستان می سازد و محصولات آنرا خودش می خورد در حالی که می توانست همین کارخانه ها را در خاک شوروی بنا کند . در این موارد و بسیاری موارد دیگر علت اساسی ، " سود آوری " کلان سرمایه امپریالیسم شوروی در سرزمین های دیگر است . مثلا " در مورد ایران ، سوسیال امپریالیستهای شوروی تحت عنوان اینکه گاز ایران " به هدر می رفته " آن را با خرج کم شکنی که دولت وابسته شاه به عهده گرفت به خاک خود منتقل کرده و با بهای بسیار نازلی خریداری می کند و به کشورهای دیگر با قیمت گزافی می فروشد و سود مافوق تصور می برد . در مورد هندوستان با استخدام کارگر هندی که به علت فقر و مسکن عمیق جامعه هند و وجود میلیونها نفر بیکار حاضر است با دستمزدی در حدود ۱۵ ریال در روز برای او کار کند محصولات مورد احتیاج خود را تولید می کند . آن وقت همین محصولات را طبق قرار دادهای استعماری اقتصادی با نرخی که خود تعیین می کند و به مبلغی بسیار کمتر از نرخهای بازار جهانی " می خورد " و با قیمتی گزاف در اختیار مردم شوروی می گذارد و باین طریق سودهای افسانه ای بدست می آورد . و آن وقت تازه مدعی هم هست که به خاطر کمک به پیشرفت صنایع هند و با کشورهای مشابه آن دست به ایجاد کارخانه برای این کشورها زده است . (برای توضیحات بیشتر رجوع شود به " رنجبر " شماره ۹)

علاوه بر اینها بانکداران شوروی امروزه با همکاری نزدیک و صمیمانه با بانکداران امپریالیستی غرب و سرمایه گذارهای مشترک با آنها بطور غیر مستقیم به چپاول خلقهای جهان و از جمله خلقهای اتحاد جماهیر شوروی پرداخته اند . مثلا " در سال ۱۳۴۹ با بانک بازرگانی خارجی شوروی با همکاری بانک انگلیسی " لندن و امریکای جنوبی " وامی برابر ۱۹/۵ میلیارد دلار با بهره قابل توجهی برای ساختن نیروگاه آب ساثوپالو به دولت برزیل داد . در مقابل برزیل متعهد شد که ماشین آلات نیروگاه را از شوروی بخرد و وام " زبور " به اضافه بهره " آن را در ظرف مدت هشت سال به شوروی مسترد نماید . در مورد مخلوط شدن سرمایه شوروی با سرمایه داری غرب که خود وسیله ای برای بهره کشی بیشتر از خلقهای جهان است (زیرا که در این گونه موارد دیگر ماسک سوسیالیستی هم چندان لازم نیست) آقای برزنف در سال ۱۳۵۰ با کمال وقاحت اعلام کرد که :

" طی سالهای اخیر مناسبات اتحاد شوروی با کشورهای جهان سرمایه داری جنبه " نسبتا " فعال و متنوعی داشته است ... مثلا " با ایتالیا در ساختن اتومبیل سازی ولژسکی ، با اتریش و برخی کشورهای دیگر در توسعه صنایع گاز ، از جمله در کشیدن لوله های گاز از اتحاد شوروی به اروپای غربی ... با شرکت های ژاپنی در ساختمان یک بندر جدید در خاور دور همکاری خواهند کرد . طرح های بزرگ دیگری هم مورد بحث است که طرفین به آنها بسیار علاقمندند " (نقل از گزارش برزنف به بیست و چهارمین کنگره حزب ریزیونیستی شوروی ، ۱۹۷۱) .

در مورد سرمایه گذارهای مشترک با امپریالیستهای غربی در غارت و چپاول خلقهای شوروی به عنوان نمونه می توان کمپانی نفت اکسید نتال امریکائی را نام برد که از سال ۱۳۵۲ تا کنون همراه با شرکت گاز " آل پاسو " مشغول ساختمان لوله گاز از غرب سیبری به بندر مورمانسک می باشد . (رجوع شود به روزنامه " نیویورک تایمز " شماره ۲۱ مه ۱۹۷۳) . خلاصه کنیم - بانکها که در کشورهای امپریالیستی سرمایه داری نقش بسیار بزرگی در غارت و چپاول خلقهای جهان بازی می کنند در شوروی کنونی نیز همان نقش را دارا هستند . ماسک سوسیالیستی سوسیال - امپریالیستهای شوروی را بانکداران شوروی هم تا

تحت تضییق و کنترل قرار گرفته اند . تصاد آنها با این دو ابر قدرت در نتیجه خصمت دوگانه یافته است . پروتاریای جهانی باید از یکسو با جنبه ی غارتگری و استعماری آنها مبارزه کند و از سوی دیگر جنبه ی مقاومت و مبارزه آنها برای بیرون آمدن از زیر کنترل و تضییق دو ابر قدرت را تشویق نمایند . امروز امپریالیسم آمریکا بعلت ضربات بی دریغی که پس از جنگ بین المللی دوم از جانب مبارزات انقلابی خلقها و ملل ستمدیده جهان و مقاومت کشورهای که با خطر استقلال خود مبارزه میکنند خورده است و همچنین بعلت بحرانهای اقتصادی سخت در حال دفاعی است و هدف او از رقابت با ابر قدرت شوروی تلاش برای حفظ منافع و مناطق نفوذ خود میباشد . در حالیکه سوسیال -

امپریالیسم شوروی در حال تعرض بوده و هدف از رقابتش کسب منافع بیشتر و بدست آوردن سرکردگی بر جهان میباشد . سیستم حاکم در شوروی یک نظام سرمایه داری انحصاری بوروکراتیک است که از لحاظ تمرکز سرمایه و اعمال قدرت دولتی ، تاریخ هیچگاه چنین نظامی را ندیده است . از میان دو نوع بورژوازی ، بورژوازی روسیه بعلت این تمرکز قدرت از نوع فاشیستی بوده و روسیهی امروز زندان بزرگ ملیتهای مختلف و اسارتگاه عظیم توده های خلق میباشد . در حالیکه بورژوازی حاکم بر سرمایه انحصاری آمریکا از آن جناح از بورژوازی است که سیستم دمکراسی بورژوازی را بعلت اینکه تا حد شوروی تمرکز یافته نیست ، تحمل میکند . سوسیال - امپریالیسم شوروی با نقاب سوسیالیسم بمیدان آمده و از این طریق به عوام فریبی بزرگی در جهان مشغول است . در حالیکه امپریالیسم آمریکا در میان توده های وسیع مردم جهان رسوا شده است . این سه ویژگی یا تفاوت ، بالاجبار سوسیال - امپریالیسم شوروی را به منبع خطرناکترین جنگ جهانی و دشمن معترضه :

چهار صد بیسی ... می و بیسی صید بر ... این تحولات و تغییرات همچنین تاثیرات عمیق خویش را در تشدید مبارزه طبقاتی بجای نهاده و همچنان بجای خواهد گذارد . از آغاز دهه پنجاه موج جدیدی از مبارزات مطالباتی ، ضد امپریالیستی و ضد استبدادی بپا خاست . کمونیستها با همه ی فداکاری و کوشش خود قادر نگشتند حزب طبقه کارگر را ایجاد نموده و رهبری این مبارزات را بدست آورند . جنبه ملی نیز بعلت ضعف سیاسی خود قادر به انجام چنین نقشی نگشت تنها روحانیت اسلامی با تکیه به اقشار وسیع خرده بورژوازی و برخورداری از حمایت زحمتکشان شهر و روستا و جناحهایی از بورژوازی ملی قادر گشت قدم بقدم رهبری را در دست گیرد و بویژه پس از آنکه از اواسط سال ۱۳۵۶ مبارزات آزادیخواهانه مردم به اوج نوینی رسید ، رهبری روحانیت بر این جنبش بخوبی نمودار گشت .

این تغییرات در سطح جهانی در اوضاع کشور ما نیز موثر بوده است و در عین حال با وقوع انقلاب عظیم ضد امپریالیستی و ضد استبدادی برهبری امام خمینی در سال گذشته و سرنگونی رژیم وابسته به امریکای پهلوی که ضربه مهلکی به امریکا بود ، انقلاب ایران متقابلا نقش موثری در تغییر اوضاع جهانی داشته است و حرب استقلال طلبانه کشورهای جهان را تقویت بخشیده است . از سوی دیگر

حد ممکن به چهره می زنند ولی لجام گسیختگی سوسیال امپریالیسم شوروی در توسعه استعمار و استثمار در سر تا سر جهان اکنون به حدی رسیده است که در بسیاری موارد نقاب مکر و فریب را از چهره آنها کنار زده است . اما بهر حال همانطور که مائوتسه دون می گوید " وقتی به چیزی نگاه می کنیم باید ماهیت آن را مورد بررسی قرار دهیم و شکل ظاهری آن را تنها به عنوان راهنمایی برای راه یافتن به درون آن بدانیم " آنچه که ماهیت امپریالیستی شوروی کنونی را ثابت می کند نتایج عملکردهای سرمایه داران نوین روسیه است و نه شکل ظاهری معاملات آنها که هدفی جز فریب خلقهای جهان ندارد و هر کسی می تواند با اندک کوششی برای گذشتن از پوسته سوسیالیستی شوروی کنونی ماهیت امپریالیستی آن را به آسانی کشف و یا اثبات نماید .

می و بیسی صید بر ... این تحولات و تغییرات همچنین تاثیرات عمیق خویش را در تشدید مبارزه طبقاتی بجای نهاده و همچنان بجای خواهد گذارد . از آغاز دهه پنجاه موج جدیدی از مبارزات مطالباتی ، ضد امپریالیستی و ضد استبدادی بپا خاست . کمونیستها با همه ی فداکاری و کوشش خود قادر نگشتند حزب طبقه کارگر را ایجاد نموده و رهبری این مبارزات را بدست آورند . جنبه ملی نیز بعلت ضعف سیاسی خود قادر به انجام چنین نقشی نگشت تنها روحانیت اسلامی با تکیه به اقشار وسیع خرده بورژوازی و برخورداری از حمایت زحمتکشان شهر و روستا و جناحهایی از بورژوازی ملی قادر گشت قدم بقدم رهبری را در دست گیرد و بویژه پس از آنکه از اواسط سال ۱۳۵۶ مبارزات آزادیخواهانه مردم به اوج نوینی رسید ، رهبری روحانیت بر این جنبش بخوبی نمودار گشت .

اینک پس از گذشت بیش از شش ماه از پیروزی انقلاب در کشور ما ، انقلاب با تکیه به جوش و خروش توده های هنوز در غلبان است . اما بعلت توطئه های دوا بر قدرت و عمال آنها ، اخلال مشی های چپ روانه ، اخلال سرسختان ضد کمونیست و ضد اسلام و همچنین اخلال انحصار طلبی جناحهایی از خاکمین جدید ، کشور از یک نظم انقلابی بر خوردار نبوده و دچار یک تب و تاب آشفتگی و هرج و مرج گردیده است . در چنین وضعیتی است که ما باید با تمام نیرو برای ایجاد حزب کمونیست بکوشیم تا اساسی ترین عامل ذهنی ادامه و تعمیق انقلاب را تامین نمائیم .

ادامه دارد

هفته نامه
رنجبر
ارگان مرکزی سازمان انقلابی
مدیر مسئول - علی حجت
سردبیر - فرامرز وزیري
نشانی: خیابان مصدق ، پلاک ۷
از میدان ولی عصر ، خیابان زمره
پلاک ۷ تلفن : ۶۴۲۹۱۴
نشانی پستی : تهران ، صندوق
پستی ۱۴۰۱ - ۳۱۴
چاپ سکه

شوروی : کشوری امپریالیستی بانکهای شوروی (۳)

صدور سرمایه

منظور از صدور سرمایه چیست ؟ لنین در کتاب " امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری " می گوید : در آستانه قرن بیستم در تعدادی از کشورهای جهان رشد سرمایه داری به حدی رسیده بود که دیگر بکار انداختن سرمایه های بزرگ در داخل این کشورها چندان سود آور نبود . دلیل این موضوع این بود که با رشد انحصارها یعنی سرمایه های انحصاری که تولید و توزیع را در رشته های خاصی کاملاً در کنترل خودشان در آورده بودند ، تمرکز سرمایه به طور فوق العاده ای سرعت پیدا کرد . سودهای هنگفتی که سرمایه داران بزرگ انحصاری بعلت از بین بردن رقابت و کنترل تولید و بازار بدست آوردند سبب شد که اینها آنقدر سرمایه گرد آورند که در داخل کشورشان دیگر محلی برای سرمایه گذاری سود آور نباشد .

این بدان معنا نیست که محلی برای سرمایه گذاری در کشورشان وجود ندارد ، و یا اینکه سرمایه آنها دیگر سود تولید نخواهد کرد ، بلکه به این دلیل می باشد که سرمایه آنها نسبت به آنچه که می توانند در خارج از کشورشان بدست آورند سود آوری لازم را ندارد . چرا سرمایه آنها در کشورهای عقب مانده سود اورتز " است ؟ لنین می گوید : " در این کشورهای عقب مانده سطح سود معمولاً بالاست زیرا سرمایه ها اندک است ، بهای زمین نسبتاً نازل است و سطح دستمزد پایین است و مواد خام ارزان است " (لنین ، " امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری " ، مجموعه آثار و مقالات " صفحه ۴۱۴) .

حالا ببینیم رشد سرمایه در کشور شوروی به چه سطحی رسیده است . آقای دراگیشنسکی اقتصاد دان شوروی می نویسد : " در طی اقداماتی که تحت شرایط جدید انجام گرفت ، بعضی مؤسسات و در بعضی مواقع حتی بعضی وزارتخانه ها این مسئله را مطرح کردند که وجوه تأمین شده برای توسعه تولید ... نمی تواند به طور منطقی مورد استفاده قرار گیرد زیرا که این مؤسسات باین وجوه در چنین مقیاسی احتیاج ندارند " (نقل از کتاب " اصلاحات اقتصادی شوروی " ، فصل اصلاحات اقتصادی در عمل " صفحه ۲۱۸) : چرا این مؤسسات به (به وجوه تأمین شده) احتیاج ندارند ؟ آیا در اتحاد شوروی با آن همه کمبودهایی که در کشاورزی وجود دارد و دشواریهایی که در سایر قسمتها هست دیگر احتیاجی به سرمایه گذاری نیست ؟ جواب این سؤال مسلماً منفی است . مسئله این نیست که مؤسسات شوروی به سرمایه و سرمایه گذاری احتیاج ندارند . مسئله این است که سرمایه تأمین شده " بطور منطقی " نمیتواند مورد استفاده قرار گیرد . یعنی استفاده

از این سرمایه ها بنا بر منطق استفاده از سرمایه برای بدست آوردن سود هر چه بیشتر صلاح نیست زیرا که این سرمایه ها در شرایط موجود در داخل خاک شوروی دیگر چندان سود آور نمی باشند .

علت این حرف آقای دراگیشنسکی چیست ؟ گفتیم که بعد از " اصلاحات " اقتصادی برزنف - کاسیگین (سال ۱۹۲۴) مدیران مؤسسات صنعتی به طرز مستقیم و مدیران بانکها بطور غیر مستقیم در " سود " مؤسسات تولیدی شریک شدند . از آنجا که سیستم اقتصادی شوروی در آن زمان سوسیالیستی بود و صنایع و کشاورزی عمدتاً در انحصار دولت مرکزی بود احیای سرمایه داری از همان ابتدا به صورت سرمایه داری انحصاری بود ، یعنی همان شرایطی را داشت که لنین آن را " بیش از حد نضح یافته " نامیده بود . نتیجه اینک سرمایه داران نوین ، یعنی کسانی که تحت عنوان " مدیران " مؤسسات مشغول بهره کشی و " سود بردن " از کار زحمتکشان بودند مقدار سودشان خیلی سریع به حداکثر خود رسید . دیگر سرمایه های تأمین شده برای مؤسسات نسبت به سودی که همین سرمایه ها در خارج از خاک شوروی می توانستند به دست بدهند

رضا پرتوی

گزارشی از دستگیری اول

غلامرضا پرتوی مسئول دفتر سازمان انقلابی درسندج ، هفته گذشته پس از بار دوم دستگیری در یکی دو ماه گذشته ، از زندان آزاد شد . از او خواستیم که مشاهداتش را برایمان بنویسد ، چه شناخت از اوضاع کردستان بسیار آموزنده است . آنچه در زیر می آید خاطرات و مشاهدات بار اول دستگیری ، در اواخر مردادماه است .

امام خمینی: از اتکاء به اجانب پرهیزید

طی هفته گذشته امام خمینی در چند سخنرانی خود مطالب مهمی را در زمینه تکیه به نیروی خود برای استقلال و خودکفشدن و مبارزه علیه هر گونه اتکاء و وابستگی به ابر قدرتها ، بیان نمودند . این سخنان امام در شرایطی که توطئه های امپریالیستی بخصوص از جانب دو ابر قدرت امریکا و شوروی تشدید می یابد ، اهمیت بسیار زیادی در ادامگی انقلاب دارد .

امام خمینی در ملاقات اعضای خانواده ها و اطفال شهدای انقلاب تأکید نمودند : " اگر بخواهید مملکت تان از خودتان باشد ، کشور تان یک کشور سالم باشد ، خود کفا باشد ، باید این سوغاتی هایی که غرب برای ما فرستاده و می فرستد را قطع کنید . ما با صنعت مخالف نیستیم . ما با هیچ یک از آثار تمدن مخالف نیستیم ، ما می گوئیم غربی و شرقی گلاجه سرمان می گذارند . می خواهند ما را نگهدارند ، متوقف کنند . می خواهند ما را محتاج به مستشار کنند . نظام مان مستشار داشته باشد ، فرهنگ مان مستشار داشته باشد ، همه چیزمان مستشار داشته باشد " . امام در ادامه سخنان خود ، در نشان دادن عواقب وابستگی ، ذوب آهن را مثال زدند و اشاره نمودند که این صنعت برای ما تا کنون ضرر داشته است و بالاخره آینده اش هم معلوم نیست چه می شود .

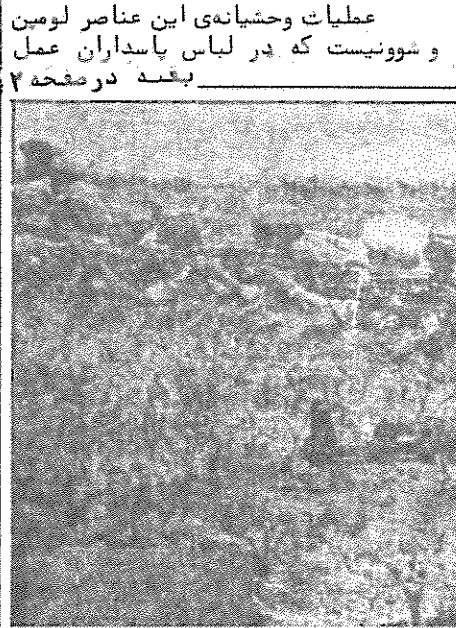
امام خمینی در پیام خود به مناسبت گشایش مدارس و دانشگاهها نیز اصل استقلال میهن و احتراز از هر نوع وابستگی را مورد تأکید قرار دادند و در قسمتی از پیام خطاب به دانش آموزان و دانشجویان فرمودند : " باید کوشش کرد در راه علم و بدست آوردن تخصص در رشته های مختلفه اساس فعالیت جوانان و دانشجویان عزیز ما باشد که نیازمندیهای میهن به دست خود آنها

توسط امپریالیسم ورزیم وابسته بهلوی بر خلق کرد وارد شده و عدم پاسخگویی به خواسته های ملی ورفاهی آنها توسط دولت موقت بعد از انقلاب ، و به علت اخلاص نیروهای " چپ " بویژه حزب دمکرات و بطور غیر مستقیم حزب توده ، در دامن زدن به تضادهای موجود ، مردم سندج شدیداً از ورود ارتش و پاسداران ناراضی بودند .

عکس العمل های مردم در بر خورد با نیروهای انتظامی ، بروشنی گویای این امر است . روزهای اول ورود ارتش و پاسداران ، مغازه داران مطلقاً به آنها جنس نمی فروختند و اگر دکان داری به پاسداران جنس می فروخت شب هنگام مغازه اش غارت میشد . در روزهای بعد که این سد شکسته شد آنها اجناس را دو یا سه برابر قیمت اصلی به آنها می فروختند . هنگامی که پاسداران از خیابان می گذشتند از گوشه و کنار مردم شعارهای ضد پاسداران می دادند . در این مورد باید گفت عموماً " برخورد پاسداران به جز عده بی محدود با مردم خوب و آموزنده بود . آنها سعی می کردند اهداف خود را برای مردم توضیح دهند ، با وجود اینکه این کار سیاسی - اقناعی همه جانبه و عمیق ویی گیر نبود و در سطح باقی می ماند تا تأثیر خود را بر اهالی می گذاشت .

عده بی کرد از عناصر سودجو ، فرصت طلب و سرسخت ضد کمونیست ... در روز اول ورود پاسداران به صفوف آنها پیوستند . بنا بگفته خودشان ، میبایست در این جریان کمونیست ها را قتل عام کرد . اساساً آنها عامل ایجاد جریان ضد کمونیستی در بین پاسداران بوده و با کینه ای سبانه بدون تمایز گزاری بر آدم بقول خودشان " شکوکی " را دستگیر نموده ، کتک میزدند و به زندان می انداختند .

عطیات وحشیانه ای این عناصر لومین و شوونیست که در لباس پاسداران عمل میکردند در صفحه ۲



مدیران "مؤسسات مشغول بهره کشی و سود بردن" از کار زحمتگشان بودند مقدار سودشان خیلی سریع به حداکثر خود رسید. دیگر سرمایه‌های تأمین شده برای مؤسسات نسبت به سودی که همین سرمایه‌ها در خارج از خاک شوروی می‌توانستند به دست بدهند کافی نبود. یعنی بکار انداختن این سرمایه‌ها از دیدگاه فراهم کردن حداکثر سود برای سرمایه داران نوین (مدیران و) چندان توأم با صرفه نبودند و همین موضوع زمینه را برای صدور هر چه بیشتر سرمایه به خارج فراهم نمود.

حال ببینیم این صدور سرمایه به چه شکل توسط بانکهای روسیه به انجام رسیده است. (ما به مقوله "صدور سرمایه" به طور کلی در شماره های ۹ و ۱۰ رنجبر برخورد کرده ایم).

صدور سرمایه و کالا، چپاول منابع طبیعی و استثمار کارگران و خلقهای ستمدیده در کشورهای جهان سوم توسط شوروی ناچاراً به ایجاد بانکهای امپریالیستی و پیوستن به سیستم جهانی امپریالیسم منجر شد. روسیه در سال ۱۳۴۲ دست به ایجاد "بانک بین المللی همکاری اقتصادی زده" این بانک هدف خود را توسعه روابط بازرگانی و اقتصادی میان کشورها، تکمیل کار اختصاصی و تعاون تولیدی کشورهای عضو شورای اقتصادی اعلام کرد. چندی بعد شوروی بانک دیگری به اسم "بانک سرمایه گذاری" شورای تعاون اقتصادی بوجود آورد. این بانک مشخصاً امر سرمایه گذاری در کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی (کومکون) را به سود روسیه به پیش می‌برد. از سرمایه این بانک سهم سایر شرکاء یعنی چکسلواکی، لهستان و مجارستان و مولدوستان به ترتیب ۱۸/۹ در صد، ۱۸/۱ در صد، ۸/۲ در صد و ۴ در صد بود. در حالی که سهم شوروی به تنهایی ۴۰ در صد می‌شد. لنین درباره سیاست بانکی امپریالیستها می‌گوید: "تجربه نشان می‌دهد که بقیه در صفحه ۷

آوردن تخصص در رشته‌های مختلفه اساس فعالیت جوانان و دانشجویان عزیز ما باشد که نیازمندیهای میهن به دست خود آنها بر آورده شود و کشور ما با کوشش شما خود کفا شود. در دورانهای گذشته اساس بر آن بود که ما را در هر چیز وابسته کنند و با ملت ما آن کنند که دستش برای هر چیز پیش دیگران دراز باشد. شما عزیزان کوشش کنید که از این وابستگی بیرون آغید و احتیاجات کشور خودتان را بر آورید و از نیروی انسانی و ایمانی خود غافل نباشید و از اتکاء به اجانب بپرهیزید و استقلال خود را در تمام ابعاد بیمه کنید."

چرا این سخنان امام مهم هستند و ما باید معنی آن را بر جسته کنیم؟ زیرا در شرایط کنونی شرط اساسی ادامه پیروزمند انقلاب همین اصل مهم تأمین استقلال میهن با اتکاء به نیروی خود است. باید همه متحداً در این راه مبارزه و کوشش کنیم و از پرداختن به مسائل فرعی به قیمت فراموش کردن مبارزه به خاطر استقلال بپرهیزیم.

مواضع راستین دولت در مقابل امپریالیسم روسیه

همچنین از سخنگوی دولت درباره احتمال عکس العمل نظامی امریکا در خاور میانه سؤال شد. او در پاسخ این سؤال گفت: حقیقت این است که از مدت‌ها قبل زرمه‌هایی درباره تربیت و اعزام گروههای ضد چریکی و چریکی امریکائی به سواحل خلیج فارس و حتی امارات، شنیده شده است. ممکن است در آینده نزدیک شاهد یک چنین عکس العمل‌هایی در بحرین یا جزیره خلیج فارس باشیم. ولی به نظر می‌رسد دو ابر قدرت در کنفرانس سالت ۲ در وین نسبت به تقسیم جهان تا حدود زیادی با یکدیگر به توافق رسیده‌اند.

به این ترتیب یک بار دیگر مواضع راستین ضد امپریالیستی از جانب امام خمینی و سخنگوی دولت تأکید شده است. عده‌ای سازشکار نسبت به این یا آن ابر قدرت تلاش دارند موضع قاطع ضد دو ابر قدرت که از مهمترین دستاوردهای انقلاب ما بود را به دست فراموشی سپارند.

غرق شدن در ملاحظات زیاده از حد روابط دیپلماتیک و بخصوص سر بلند کردن و رشد گرایشهای مدارا جویانه و اغماض در مقابل ابر قدرت شوروی و طفره رفتن از موضع گیری در مقابل توطئه‌های آن و حتی تبلیغ آسودگی خاطر در مقابل خطر این خرس قطبی و دوستی با آن از جمله مسائلی هستند که در صورت رشد بیشتر، صدمات جدی به امر ادامه مبارزه مردم ما برای استقلال کامل میهن وارد خواهد ساخت. سخنان امام و سخنگوی دولت نشان دادند که سازشکاران و مدارا جویان با ابر قدرتها بهیچوجه همگام با مواضع راستین انقلاب نبوده و نقطه نظرات آنها از جانب رهبری انقلاب و دولت ملی طرود است.

مواضع صریح و درست سخنگوی دولت امیدبخش و مورد پشتیبانی قاطع مردم ما است. ما امیدواریم دولت و مقامات حاکم با یافتن بر روی مشی قاطع ضد امپریالیستی سیاستهای مدارا جویی در مقابل هر کدام از دو ابر قدرت را طرد نمایند.

هفته گذشته صادق طباطبائی معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت در گفتگویی با خبرگزاری پارس نقطه نظرات مهمی را در مورد کودتای اخیر افغانستان، نقش شوروی و رقابتهای دو ابر قدرت در منطقه بیان داشت.

او همچنین بیاناتی را از قول امام خمینی در رابطه با توطئه گری‌های شوروی در افغانستان باز گو نمود.

مواضع قاطع امام و سخنگوی دولت در مقابل دساتن دو ابر قدرت و بخصوص امپریالیسم روسیه یک بار دیگر قاطعیت و هوشیاری رهبری انقلاب را در ادامه مبارزه ضد امپریالیستی باز گو می‌کنند که باید سر مشق و نمونه‌ای باشد برای همه نیروها و شخصیت‌های سیاسی که از آن بیاموزند.

سخنگوی دولت در مورد کودتای افغانستان گفت که تعویض محمد تره‌کی با این کودتای پنبه‌ای، به اندازه کافی حمایت خلقی مورد ادعای سیاستمداران کرملین را آشکار می‌سازد.

سخنگوی دولت در این گفتگو فاش ساخت که چندی پیش سفیر شوروی از طریق او به امام خمینی پیام داد که شوروی هیچگونه دخالتی در افغانستان نمی‌کند، به دلیل آنکه رژیم محمد تره‌کی یک رژیم منبعت از خلق و طرفدار خلق است! او افزود از وقتی این پیام را به امام رساندم، ایشان بالبخند گفتند گاهی اتفاق می‌افتد که یک فرد دروغگو نمی‌داند مخاطبش دروغ او را باور نکرده است و گاه نیز اتفاق می‌افتد که خود دروغگو می‌داند که دروغ می‌گوید و می‌داند که شنونده سخنش را باور نکرده است. این دروغ از نوع اخیر است.

صادق طباطبائی درباره حدود دخالت شوروی در افغانستان گفت: مسکو مشکل بتواند از افغانستان بعنوان یکی از پایگاههای روسیه صرف نظر کند. چه افغانستان بعنوان یک پایگاه خیلی آسانتر می‌تواند شوروی را به آسهای گرم نزدیکتر کند. در این گفتگو

مصاحبه سید احمد خمینی

آقای سید احمد خمینی در مصاحبه‌ای که هفته گذشته با روزنامه "بامداد" انجام دادند، مطالبی را بیان داشتند که دارای نکات آموزنده‌ای است و ما باختصار به چند نکته مهم آن اشاره میکنیم:

ایشان در تحلیل از روحانیون بدرستی به متمایز نمودن روحانیون مردمی و مبارز از روحانی‌نماها اشاره نموده و ضرورت تصفیه عناصر ناباب را در این قشر یاد آور شدند. این تمایز گذاری و ضرورت تصفیه در شرایط کنونی از این لحاظ اهمیت دارد که وجود عناصر نادرست و فرصت طلب در لباس روحانیت به جنبش اسلامی و انقلاب میهن صدمه زده و باعث سوء استفاده ضد انقلاب میگردد.

آقای سید احمد خمینی درباره روحانیون مبارز گفتند که اینها در طول مبارزات مردم در پیوند با زحمتگشان به اشاعه افکار امام در روستاها و شهرها پرداخته، با حداقل در آمد زندگی نموده و زیر فشار اختناق سر خم نگردند و در زندانها و شکنجه گاهها و تبعید گاهها، لب از لب نگشودند و به خلق و میهن وفادار ماندند. حرکت این روحانیون و پیوند بقیه در صفحه ۴

شعارهای راستین مردم را گرامی داریم

بتوانند آن را فریاد بزنند و در عمل نشان دادند که با تمام ادعایشان از مردم ما و در خواست استقلال طلبانه شان اگر بیگانه نباشند حداقل عقب تر هستند. ما می‌پرسیم آیا، ماهیت ابر قدرت روسیه، عطرکرد های جهانی اش، سرکوب خلق های مسلمان افغانستان و اریتره، توطئه هایش در کردستان از یکسو و موضع گیریهای امام خمینی، دولت و نیروهای سیاسی و توده‌های مردم از سوی دیگر هیچ کدام دلیل قانع کننده برای موضع گیری بر علیه این امپریالیسم نو خاسته نیست؟ چه نوع ملاحظات سیاسی می‌تواند باعث طفره رفتن از موضع گیری علیه شوروی بشود؟ آیا خیالاتی واهی نسبت به این ابر قدرت موجود است؟ یا اینکه "دز باغ سبزی" دیده شده است؟

خلاصه هر چه باشد هیچ "دلیلی" نمی‌تواند تزلزل در موضع ضد امپریالیستی را توجیه کند و ما امیدواریم عده‌ای که در شعار راستین مردم به نفع امپریالیسم روسیه دست بردند خود را اصلاح کنند، در مسیر ملت قرار گیرند، و با انقلاب استقلال طلبانه‌ی مردم همراهی و همگامی نمایند و باین ترتیب صف خود را از صف دمکراتهای کاذب و یا چپ نماها جدا کنند.

بعد از ظهر یکشنبه ۲۵ شهریور مراسمی به مناسبت شب هفتم رحلت حضرت آیت الله طالقانی در محوطه ترمینال، پارک خزانه تهران برگزار گردید.

در این مراسم هزاران نفر از مردم، بخصوص از زحمتگشان ساکن جنوب شهر تهران شرکت کردند.

آنچه که از نظر مواضع سیاسی عده‌ای از شرکت کنندگان این مراسم قابل ذکر است این است که علیرغم شعارهای راستین علیه استثمار، استبداد و استعمار، شعارها و تبلیغات ضد امپریالیستی این مراسم به شعارهای ضد امریکائی خلاصه شده و حتی در یک مورد شعار ضد دو ابر قدرت مردم که آن را در روز ۱۷ شهریور در شهرهای کرمانشاه و قم فریاد می‌زدند، تغییر یافته بود. شعار راستین مردم ما در ۱۷ شهریور این بود: آمریکا، شوروی مرگ به نیرنگ تان خون شهیدان ما می‌چکد از چنگ تان

اما در حریم پارک خزانه، عده‌ای که زیر پرچم آزادیخواهی، نسبت به امپریالیسم روسیه احساسات دوستی دارند یا از آن می‌ترسند شوروی را حذف کرده و شعار راستین ضد دو ابر قدرت مردم ما را به شعاری تبدیل کردند که طرفداران امپریالیسم روسیه هم